

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به دانش آموزان سراسر ایران

دانش آموزان مبارز و انقلابی! سال تحصیلی جدید در شرایط آغاز میگردد که رژیم ترور و اختناق سایه شوم و نفرت آور خود را بر میهن ما گسترده است. دست آوردهای انقلابی خلق که با مبارزات سرخستانه زحمتکشان ایران علیه رژیم سرسپرده شاه بدست آمده بود و آزادیهای بقیه در صفحه ۲

آیا رژیمهای ضد خلقی چون رژیم خمینی، سادات و پینوشه با انتخابات قلابی و نمایشی می توانند به حکومت خود مشروعیت بدهند؟! هنوز دو ماه از انتخابات ریاست جمهوری نگذشته است که با رد یک رژیم برای ۱۰ مهر اعلام انتخابات با تکرار است. انتخابات ۲ مرداد که به "انتخاب" محمد علی رجایی به رئیس جمهوری منجر گردید و با دعای رژیم نزدیک به سیزده میلیون رای آورد و گفت شکره پیش از ۹۰ درصد با و رای داده اندیک از منتضحترین انتخابات تاریخ وطن ما بود و مسلم است که انتخابات ۱۰ مهر که د آن علی خامنه ای با ایداز صندوق بیرونی آید دست کمی از سلف خود نخواهد داشت! رژیم خمینی تاکنون کوشیده، و در آینه بقیه در صفحه

بازسازی و گسترش بی شرمانه ساواک - اهداف آن، وظایف ما

رژیم مدتی است که سرکوب عریان را پیشه کرده است و بی مهابا با کشتار میکند. اگر تا دیروز کشتار کارگران، بهر گیار بستن صفوف تظاهرات توده ها، ترورهای سیاه باندهای حزب الهی، خانه های امن سیاه پاسداران، شکنجه در زندان و هرگونه سرکوب دیگر در خفا با کمترین سروصدا و احیاناً با پوششی مردمی انجام میشد و آنجا که از پرده بیرون می افتاد کتمان میشد و عجولانه تکذیب میگشت و یک هیئت بررسی "سبزه زوی جلاد و زخود شکنجه گران و کشتار کنندگان ایجاد میشد" امروز تمامی برده ها فرو افتاده است و رژیم در عریان - ترین شکل ممکن سرکوب خود را به پیش میبرد. اگر رژیم تا دیروز یکا رگیری مجدد ساواکها، سازماندهی مجدد جاسوسان و خیرچینان، ایجاد گروههای تعقیب و مراقبت را شنیدند "تکذیب میکرد و بازسازی ساواک، ایجاد ساواکها و غیره را شایعات ضد انقلاب میخواندند" اینک رشد سبزه زه - طبقاتی او را واداشته است تا بی شرمانه نه تنها بازسازی ساواک را اعتراف نماید بلکه توده ها را نیز به ساواکی شدن قسرا خوانند. بقیه در صفحه ۶

در این شماره

- جنبش جهانی
- پرولتاریا و آزادیهای دمکراتیک
- ارگان سازمانی و نقش آن

بحران اقتصادی، رشد قاچاق و طاعیت خلقی!

اقتصادیما و بحران زده ایران ویژگی های جنبه های غالب توجهی دارد که هر یک از آنها به نوعی بحران و اختلال اقتصادی را منعکس میکند. یکی از این جنبه ها رواج شدید قاچاق مواد مخدر، قاچاق مواد الکلی و اخیراً انواع سیگارهای خارجی و سیگارهای مرغوب دولتی (ساخت خارج) است. مورد اخیر چندین شدت یافته است که مسئول شرکت دخانیات ایران را واداشته است تا به دوازده حکومت اسلامی، یعنی آیت الله خلیفائی (= اعدام) متوسل شود تا به گمان خود با این وسیله قاچاق سیگار را از بین ببرد (کیشا) ۲۳ شهریورماه ۶۰. بقیه در صفحه ۸

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به دانش آموزان سراسر ایران

بقیه از صفحه ۱

را که خلق با خون هزاران شهید بدست آورد، عرصه تاراج گری رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته اند. زندانها انباشته از هزاران مبارزان سرکشی است که تنها اتهام آنها دفاع از دست آوردهای انقلاب و آزادیهای مردم است. هر روز دهها تن از بهترین فرزندان انقلابی خلق بجرم - دفاع از آزادی و منافع زحمتکشان ایران بخواه اعدام سپرده می شوند. رژیم جمهوری اسلامی جنایات ضد خلقی خود را اینها به نام رسانده است. دیگر اقدامات سرکوبگرانه و جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی محدود به سرکوب مبارزان کارگران و دهقانان، سرکوب خلقهای تحت ستم ایران، لگدمال کردن دست آوردهای انقلابی نبوده ها نیست. رژیم بیشرمی را بعدی رسانده است که ابتدائی ترین موازین برسمیت شناخته بشری را زیر پا نهاده است و دانش آموزان ۱۵-۱۴ ساله و زنان حامله را با تمام شرکت در تظاهرات یا بخش اعلامیه بخواه اعدام می نماید. جنایاتی را مرتکب می شود که نظیر آن را در هیچیک از رژیمهای فاشیستی - نظامی موجود نمیتوان یافت.

رژیم جمهوری اسلامی در شرایطی دست یابین اقدامات جنون آمیز و ضد بشری میزند که طی نزدیک به سه سال جامعه را بسوی قهقرا و بربریت سوق داده است. و غامت اوضاع اقتصادی و فقر و فلاکت ناشی از آن هر لحظه جامعه را بسوی یک انفجار بزرگ نزدیکتر می کند. اقتصاد جامعه سرپا از هم گسیخته است. فشار با برحران اقتصادی هر لحظه زندگی را بر انبوه زحمتکشان میهن مادشوارتر می سازد. میلیونها کارگر بیکار روگردانه، در حسرت لقمه نانی برای خانواده خود بسر می برند. کمبود کالاهای اساسی مورد نیاز زحمتکشان با زهم زندگی را بر انبوه توده ها دشوارتر کرده است. قیمتها روز به روز افزایش می یابند. فقر و فلاکت سراسر جامعه را فرا گرفته است. سیاستهای ضد خلقی رژیم مدام شرایط زندگی توده ها را دشوارتر می سازد و با فقر و فلاکت را افزون تر می کند. جنگ دولتهای ایران و عراق که تاکنون هزاران کشته رخصی و میلیونها آواره بر جای نهاده است، هزینه های گزشتگی را با اقتصاد مملکت و توده های مردم تحمیل کرده است. در حالی که سرمایه داران ایران و عراق و احصا ارات امپریالیستی سودهای کلانی را بجیب میزنند، زحمتکشان ایران باید میلیاردها هزینه این جنگ را با شکال مختلف بپردازند. در چنین شرایطی... مدام سر نارضایتی مردم افزوده می گردد و رژیم جمهوری اسلامی که قادر نیست حداقل نیازها و خواسته های توده های مردم را تامین کند و هر لحظه سرنگونی خود را

نزدیکتر می بیند، برای بقا و ننگین خود به آخرین حربه ها متوسل شده است. سیاست ترور و اختناق، سیاست ایجاد محیط رعب و وحشت را برگزیده است تا شاید مرعوب ساختن توده ها، مبارزات آنها را سد کند و چند روزی دیگر بحیثیت نفرت آورده خود ادا دهد. از همین روست که در ماههای اخیر دست بچنان جنایاتی زده است که بحرات نمیتوان گفت در طول تاریخ نوین بشریت کم نظیر است. اما تاریخ تاکنون مکرر به ما میگوید که توره و رژیمهای ارتجاعی نشان داده است که سرکوب و قهرقا در نیست توده های را که در راه زندگی بهتر و کسب آزادی بیای می خیزند، ما یوس سازد. بنا بر این اگر چه ده منشی ها و جنایات دیوانه وار رژیم توانسته است افتی موقت را در مبارزات حاد و آشکار توده ها پدید آورد، اما مطمئنا این وضع نمیتواند ادامه یابد. توده های که در زیر شدیدترین فشارهای اقتصادی و سیاسی قرار دارند، توده های که با آن همه امید و آرزو رژیم سفورشا را سرنگون ساخته اند، راجازه نخواهند داد که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی موقعیت خود را تثبیت کند، دبیری نخواهد پذیرد که توده های سراسری میهن ما یکپارچه برای سرنگونی این رژیم جور و ستم، رژیم خفقان و اختناق بیچاره خیزند. در این میان در سال تحصیلی جدید وظیفه ای سنگین در مبارزه علیه رژیم بردوش دانش آموزان مبارز و انقلابی قرار دارد.

جنبش دانش آموزی و دانشجویی ایران همیشه نقش مؤثری در جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقی ایران ایفا کرده است. هنوز خاطره مبارزات قهرمانانسه دانش آموزان ایران در مبارزه علیه رژیم شاه، در مبارزه علیه دیکتاتور و اختناق، در تظاهرات خیابانی و سنگر بندی های روزهای قیام فراموش نشده است. دانش آموزانی که این چنین قهرمانان را با از خود گذشتگی علیه رژیم شاه مبارزه کردند، امروز مورد حملات کین توزانسه و دشمنی بی پروای رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته اند. هم اکنون بخش وسیعی از زندانیان و اعدام شدگان روزهای اخیر را دانش آموزان و دانشجویان تشکیل میدهند. رژیم که مبارزه قهرمانانسه دانش آموزان را علیه شاه فراموش نکرده است، تماما تلاش خود را بکار گرفته تا مدارس این سنگرهای مبارزه دانش آموزان را بهرقیمت تسخیر نماید. از همین روست که سوای اعداها و انبوه زندانیان، ازبیت نام عده ای از مبارزترین و انقلابی ترین دانش آموزان خودداری کرده است تا بحیال خام خود را با اخراج، زندان و اعدام رعب و وحشت را بر مدارس نیز حاکم سازد. اما دانش آموزان مبارز و قهرمان میهن ما تسلیم این فشارها نخواهند شد. دانش آموزان سراسر ایران

باید بخوبی آگاه باشند که هرگونه تسلیم شدن به سیاستهای ضد خلقی رژیم هرگونه تن دادن به اخراجها، اعداها و عدم مقاومت در مقابل این سیاستهای سرکوب - گرانه و ضد خلقی پایمال شدن آرمان تمام شهدای خلق، آرمان شهدای دانش آموزان ۱۳ ساله است. بنا بر این سال تحصیلی جدید، سال مقاومت، سال پایداری، استقامت و مبارزه بی امان همه نیروها از جمله دانش آموزان سراسر ایران است. سال تحصیلی جدید سالی سرنوشت ساز محسوب می شود. دانش آموزان مبارز و انقلابی میهن ما باید مبارزات خود را علیه اختناق و سرکوب، علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی چند برابر کنند.

در این زمینه وظیفه ای با زهم سنگینتر بردوش دانش آموزان آگاه و انقلابی بویژه دانش آموزان پیشگام قرار دارد. آنها باید تمام تلاش خود را در جهت بسیج و متشکل کردن وسیع ترین بخش توده های دانش آموزی را بگیرند و حول شخص ترین توده های ترین و عا م ترین شمارا دانش آموزان را بسازد علیه رژیم بکشانند. تنها مبارزه چند نفر کافی نیست، باید توده های دانش آموزی مدرسه، دانش آموزان مدارس یک استان، و توده های دانش آموز سراسر ایران را بسازد دعوت کرد. برای همه دانش آموزان توضیح داد که اگر امروز دانش آموزی اعدام میشود بزدان می افتد و با اخراج می گردد، فردا نوبت دیگران است. اگر امروز در مقابل سیاستهای سرکوبگرانه و ضد خلقی رژیم ایستادگی نشود، فردا رژیم هزاران بار خونخوار تر و جنایتکارانه تر از امروز عمل خواهد کرد.

رفقای دانش آموزان تنها با اتحاد و یکپارچگی همه دانش آموزان انقلابی تنها با اتحاد، تشکل و همبستگی دانش آموزان سراسر ایران است که میتوان مبارزه پیروز مندانه دانش آموزان را علیه رژیم ترور و اختناق رهبری کرد.

رفقای دانش آموزان! تلاش خود را علیه رژیم ترور و اختناق ده برابر و مدبرانه کنید، مطمئنا پیروزی از آن زحمتکشان و شکست سرنوشت محتوم تمام جنایتکاران و همه مرتجعین تاریخ است.

مستحکم با اتحاد و همبستگی دانش آموزان سراسر ایران علیه رژیم ترور و اختناق

مرگ بر رژیم جنایتکار و مرتجع جمهوری اسلامی

تا بود با امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا و با یگانه داخلی

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

پیام پیشگام بهمناسبت آغاز سال تحصیلی

با درود به دانش آموزان مبارزی که همچون رهبران ۱۳ آبان، قهرمانان بهشت های گره کرده به پای جوخه های اعدام رفتند و با خونشان درخت تنار و انقلاب را آبیاری نمودند.

و با درود به دانش آموزان انقلابی که هم اکنون در سیاهچالهای رژیم جمهوری اسلامی از پای ننشسته و با مبارزه دلاورانه - شان در زندان، ایمان و وفاداری خود را به انقلاب و رهائی زحمتکشان نشان میدهند.

دانش آموزان مبارز

در شرایطی سال تحصیلی جدید را شروع می کنیم که رژیم جمهوری اسلامی با برقرار کردن حکومت ترور و خفقان، ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای سیاسی را از توده ها سلب کرده و هزاران تن از زندان انقلابی خلق را دستگیر، زندانی و اعدام کرده است. در شرایط کنونی که از یک طرف نارضایتی توده ها در اثر خفقان فقر و بیکاری هر روز با ابعاد گسترده تری بخود میگیرد و از طرف دیگر بدلیل سرکوبهای خوگین و وحشیانه رژیم و پراکندگی نیروهای انقلابی مبارزات توده ها در این مقطع فروکش موقتی نموده است.

رژیم جمهوری اسلامی برای رهایی از بحران اجتماعی و اقتصادی موجود و جلوگیری از سقوطش تلاش گسترده وسیعانه - ای را آغاز کرده است، اما بدلیل عدم توانائی در حل بحران موجود و عدم انطباق رژیم سیاسی با سطح رشد نیروهای مولیده محکوم به سقوط است و در آینده ای نرسد چندان دور، (با وزش تندبادهای جنبش توده - ای کارگران و زحمتکشان) شاهد سقوط و انهدام آن خواهیم بود.

در شرایطی سال تحصیلی را شروع می کنیم که رژیم جمهوری اسلامی از نسبت تمام هزاران دانش آموز مبارز خودداری کرده و میکوشد سرکوب و خفقان را در مدارس نیز جاگم کند. به همین خاطر در بخشنامه های آموزش و پرورش قید شده است: "هیچ گروهی حق فعالیت سیاسی در مدرسه و آن ندارد، مدرسه جای امور درسی است و فقط "انجمنهای اسلامی، در نشر حقایق اسلامی" میتواند همکاری کنند".

رژیم میکوشد سیاست بورژوازی "مدرسه جدا از سیاست" را احیا کند (سیاستی که شما با مبارزات خونین خود آنرا بگسور

سپرده اید)، آزادی سخن، آزادی مطبوعات آزادی فعالیت سیاسی که شما با مبارزاتتان کسب کرده اید، از آنجا که به آگاهی و بیداری توده ها منجر میشد، رژیم ضد خلقی حاکم را به هراس انداخت و فعالیت سیاسی را ممنوع کرده و در مدارس نهادهای وابسته را برای جلوگیری از فعالیت سیاسی دانش آموزان براه انداخت تا بجای - دفاع از منافع دانش آموزان، به سرکوب آنها بپردازد. وظیفه شما دانش آموزان آگاه و انقلابی است که با افشای ماهیت این انجمن های اسلامی وابسته به رژیم مقاومت توده ای دانش آموزان را در جهت انحلال این نهادهای وابسته و تاسیس خواستهای دانش آموزان سازماندهی کنید.

دانش آموزان مبارز

در شرایط فعلی، شوراهای انقلابی که برای حفظ و گسترش آزادیهای سیاسی، آزادی مطبوعات، آزادی سخن تشکیل شده بود، مورد یورش رژیم قرار گرفته و سرکوب شده است، اما رژیم برای فریب توده ها در مدارس نیز اقدام به ایجاد شوراهای فرمایشی از طرف انجمن های اسلامی خواهد کرد. این شوراهای در فضائی دموکراتیک، بلکه در فضای رعب و وحشت و با انتخابات اجباری تشکیل خواهد شد. با افشای سیاست رژیم و ماهیت انتخاباتی و با سازماندهی اعتراضات و مقاومت توده ای اینگونه انتخابات را تحریم کنید و در مقابل به تبلیغ شوراهای انقلابی با انتخاباتی آزاد، دموکراتیک مخفی و مستقیم بپردازید و در صورت ارزیابی مثبت از وضعیت توده ها و مناسب بودن شرایط به ایجاد شوراهای انقلابی اقدام نمائید.

دانش آموزان انقلابی

جنبش دانش آموزی به مثابه بخشی از جنبش فدا مبریا لیستی - دموکراتیک خلقهای ایران در فقدان شکل مناسب (یعنی سازمانی دموکراتیک) بسر میبرد و بعد از گذشت دو سال و نیم از قیام، در اثر ضعف و عدم درک صحیح نیروهای انقلابی هنوز هیچ شکلی (دموکراتیک) که بتواند

دانش آموزان را بدور خود جمع کند وجود ندارد. شما نیروهای انقلابی وظیفه دارید که با جمع بندی تجارب خود و استفاده از سایر تجارب موجود، در جهت ارتقاء منشوری حول اهداف جنبش دانش آموزی اقدام به ایجاد شکلی دموکراتیک بکنید. لازم به تذکر است که ملاک عضویت در این سازمان ها، داشتن ایدئولوژی واحد، بلکه پذیرش منشور مشترک میباشد.

دانش آموزان رزمنده در آستانه سال تحصیلی با هزاران زندانی و صدها شهید دانش آموز به کلاسهای درس میرویم. با مبارزه پیگیر و بی امان برای آزادی دستان زندانی و بازگرداندن آنها به مدرسه، پرچم رزم انقلابی جنبش دانش آموزی را (همچون دوستان شهید خود) برافراشته نگاه دارید و از حاکم شدن جو ترور و خفقان بر محیط آموزشی و سنگسار زدن خود جلوگیری کنید. جای خالی هردانش آموز شهید را با افزایش مبارزه خود و به میدان کشاندن دیگران پر کنید. رژیم تاکنون بسیاری از همکلاسی ها و دوستان محصل شما را دستگیر، شکنجه و اعدام کرده است و چنانچه در مقابل این موج جنایت، دلاورانه مقاومت کنید و ایستادگی نکنید فردا نوبت شما خواهد رسید.

اخبار جنبش دانش آموزی را با استفاده از هر وسیله ممکن (تکثیر با کاربن، پلی کپی دستی، درشت نویسی روی مقوا و غیره) به گوش توده های مردم دانش آموزان همه مدارس برسانید و بدین طریق مبارزات خود را با مبارزات توده ها پیوند دهید. با نیروهای انقلابی در مدارس تماس بگیرید و حرکات خود را مشترک و متحد با آنها به پیش ببرید و با توجه به اینکه هرگونه تکراری و حرکت گروه گویا نه به منافع کل جنبش دانش آموزی لطمه جدی خواهد زد، مسئولانه با چنین گرایشی مبارزه کنید.

دوستان دانش آموز

والدین شما کمائی هستند که بطور مستقیم در سرنوشته شما سهیم و به چگونگی آن علاقمندند. آنها را بطور مرتب و مداوم در جریان وقایعی که در جامعه میگذرد قرار دهید، اخبار جنبش انقلابی و عملکردهای فدا انقلابی رژیم را برای آنان افشاء کنید و از خانوادها به مثابه پشتوانه محکمی در تحقق خواسته های بحق آنان یاری جوشید.

بقیه در صفحه ۴

ترور، شکنجه، زندان به نفع غارتگران، آزادی سیاسی، شورای انقلابی، به نفع زحمتکشان



پیام پیشگام

بقیه از صفحه ۳

معلمین آگاه و مبارز

سال تحصیلی برای شما مربیان دلسوز عالی پر از اندوه و امید است، ان شاء الله از دست دادن فرزندان و همکاران شهید - تان، اندوه دستگیری ها و اخراج ها، و امید به اینکه سرانجام خلق برمیخیزد و زجا برخواهد گذرید و ظلم و ستم ها و شقاوت - هارا، همانک موج اخراج ها پیش از پیش گسترده میگردد و این در شرایطی است که رژیم از عناصر "مکتبی" و بی صلاحیت در آموزش و پرورش بجای معلمین - آگاه و مبارزان استفاده میکند، وظیفه شماست که با اتحاد و شکل خود به دفاع از همکاران و فرزندان محملتان برخیزید و با ایمان به پیروزی رزم پر خروش خلق به کار تبلیغ و ترویج خود بیاورید و آهنگ جنبش توده ای را بر طنین تـ سـ زاید.

پدران و مادران متعهد و مسئول

فرزندانی که شما به قیمت همه زندگسی خود آنها را بزرگ می کنید هم اینک در جنگال رژیم جمهوری اسلامی اسیرند، همانطور که تا بحال بآن مواج بوده اید عوامل رژیم در مدارس از شب تا صبح نام محملین انقلابی (شناخته شده) خرد داری می کنند بسیاری از این دانش آموزان در امتحان شهریوردستگیری و مورد ضرب و شتم عوامل مزدور و سرسپرده قرار گرفته اند، بسیاری از نوجوانان دلاور وطن ما بجرم دفاع از زحمتکش و مبارزان با ضد انقلاب حاکم توسط رژیم به شهادت رسیده اند، شما پدران و مادران بیش از هر کس دیگر عمیقاً این جنایت را درک می کنید و می دانید چگونه شامل زحمات سالهای عمر را را بر باد میدهند، نسبت به این جنایات بی تفاوت و خموش نباشید، با اتحاد و اتفاق با پدران و مادران دیگر به اعتراض بر علیه این فجایع برخیزید و از فرزندانبتان پیگیرانه حمایت کنید.

کافی نیست که تنها فرزند شما مورد ضرب و شتم قرار نگیرد و با آن نام بعمل آید، موج تنها جمعدا انقلاب هر روز گسترده تر خواهد شد و ایما دبیشتری را خواهد گرفت، اگر در مقابل این موج

نا یستیم، امروزه، فردا نوبت به جگر گوشه شما خواهد رسید و آنوقت دیگر برای هر حرکتی دیر است، هم امروز هم صدای ما به پدران و مادران و فرزندان تان با اعتراض برخیزید و صدای خود را بگوش همه مردم برسانید، ایمان داشته باشید که اتحاد مقدس نیروهای آگاه و مبارزان چه با ما با جانفشانی و ایثار توأم گردد، قطعاً " به پیروزی خواهد رسید و هیچ نیروئسی قادر به شکست آن نیست، ما (دانش آموزان پیشگام) با آگاهی کامل به این حقیقت که رژیم جمهوری اسلامی (هما نند) تمام رژیمهای ضد انقلابی و جناحیتکار (چون اینک در آستانه سقوط و اضمحلال قرار گرفته است، دست به هر جنایت و توطئه ای زده و خواهد زد، از همین روی ایستادگی در مقابل یورشهای سرکوبگرانه آن، همه نیروهای آگاه و مبارزان وظیفه پس سنگینی بعهده دارند، ایمان داریم که وحدت رزمنده توده های آگاه و مبارزان یگانه مد محکمی است که میتواند جنایات رژیم را متوقف و به کلیه جناحیتکار ریهها و توطئه ها پایان بخشد.

وظیفه همه مردم آگاه و مبارزان اینست که با درک اهمیت آنچه که اکنون در عرصه نبرد بین انقلاب و ضد انقلاب میگذرد، نقش و وظایفی را که در مقابل آن بعهده دارند مسئولانه درک کرده و متناسب با توان و امکاناتی که دارند (بهر شکل ممکن) جنبه انقلاب را در "جنگ مقاومت" باری رسانند و ایمان داشته باشند که پیروزی از آن - توده ها ست و رژیم ما کم بر زمین بحران هائی که بدان دچار است، هرگز قادر نیست در مقابل جنبش توده ای، ایستادگی (موثر) کرده و قطعاً "سرنوشت" مضمحل خواهد شد.

پس برای تسریع این سرنوشتی و محور رژیم اختناق و ترهرو برای برقراری دموکراسی واقعی، پیش بسوی تقویت جنبه انقلاب، پیش بسوی مشارکت فعال و حمایت بیدریخ از نیروهای انقلابی، مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی

بکوشیم تا در پیوند با جنبش سراسری

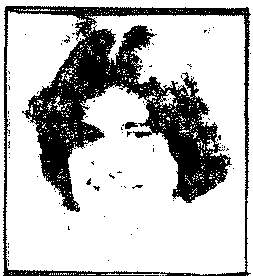
خلق جنبش دانش آموزی

را بر توانتر سازیم

اول مهرماه ۶۰

گرامی باد خاطرۀ

رفیق
نادره
نوری



رفیق نادره نوری (جمیله) در ۲۲ اسفند سال ۱۳۳۶ در یک خانواده ارتشی متولد شد.

از همان اوان کودکی بعلمت اینکه در محیط خانوادگیش عناصر آگاه وجود داشتند، بذرا آگاهی و مبارزه در وجودش برانگیز شد.

در دوران تحصیل بارها بعلمت درگیری با مسئولین و موضعگیری در مقابل سیاست های آموزش و پرورش تهدیدیه اخراج شد.

در شهریورماه ۵۹، بعد از آشنا شدن با مواضع سازمان و طرد اپورتونیستهای کمیتۀ مرکزی در شهریورماه به هواداران سازمان می پیوندد و فعالانه در جهت بردن مواضع سازمان در بین توده ها کار میکنند.

در تاریخ ۶/۵/۱۸ در اتوبوس شرکت واحد همراه با تعدادی کتاب و نشریه کار دستگیری می شود و بعد از ۲۹ روز در ۱۶/۶/۶۰ توسط مزدوران رژیم اعدام می شود.

یادش گرامی باد"

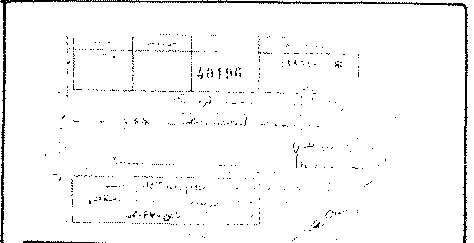
تجار مکتبی برای ادامه

چپاول خلق به حزب

جمهوری اسلامی

باج میدهند

این سند نمونه ای از تقسیم سوده های کلان تجار بزرگ مکتبی با حزب حامی آنان است درحالی که اصناف و فروشندگان جزء از سوی رژیم بجرم گرانفروشی شلاق میخوردن تجار بزرگ با پرداخت باج به حزب از هر گونه تعرضی در امان بوده و با آزادی کامل به چپاول خلق زحمتکش ایران میپردازند.



استقلال - کار - مسکن - آزادی



پرولتاریا و آزادیهای دموکراتیک (۸)

لیبرالها و دموکراتها

گبری در مورد زمینهای سرمایه گذاری و وامهای عظیمی، گمانا لیزه کردن سرمایه توسط بانکها و وابسته و اعتبارات مشروط، تصمیم گیری در مورد تکنولوژی صادراتی و همچنین تصمیم گیری در مورد حجم استخراجات و صادرات (توسط اعمال سیاست مستقیم ویا کنترل وهدایت یا زاروسیله در دست داشتن انحصار، با بیکوت دامپنیک و...) تصمیم گیری در مورد نوع و مقدار صدور کالاها و نوع کشت در بخش کشاورزی و... بوجود می آورد. تمام این زمینها و این اهرمها - ست که سیستم سرمایه داری وابسته را در وجه عمده از سوی امپریالیسم هدایت و کنترل میکند و روشن است که دیگر شکل - گیری رقابت آزاد بصورت وجه مشخصه و تعیین کننده سیستم جایی نمی یابد.

مثلاً "توجه کنید به وجود کارخانجات تولید وسایل موتوری و الکترونیکی بسیار پیشرفته از این درهنگ کنگ ویا کارخانجات گسترده تولید کالاهای جیبی در کشورها ی آسیای شرقی ویا کارخانجات ذوب آلومینیوم در ایران (احداث کارخانجات ذوب آلومینیوم بعطت مصرف بسیار بالای نیروی برق و هم چنین درجه بسیار بالای آلودگی و خطر برای کارگران در کشورهای امپریالیستی مقرون به صرفه نیست) و همچنین کنترل و مسدود دهی وامهای پرداختی توسط بانکها در کشورهای وابسته (مثلاً نقض بسیار عظیم بانک صنایع و معادن در سرمایه گذاری صنعتی در زمان شاه) و پاکت محصولات چون مرغوبه، سویا و... در خوزستان و غیره و غیره در اینجا ست که روشن میشود در واقع وابسته (در وجه عمده و تعیین کننده) رقابت آزاد سرمایه داری معنی ندارد و یا به نتیجه وابستگی ارگانیک سرمایه به سرمایه های امپریالیستی، لیبرالیسم و رونیای دموکراسی بورژوازی معنائی نخواهد داشت.

ادامه دارد

با منافع سرمایه های امپریالیستی حل میگردد. در حقیقت در مقطعی دیگر - بشودا لیسم به عنوان متحد سیاسی امپریالیسم کارائی خود را از دست میدهد دیگر بقای روابط فئودالی با نیا زهای سرمایه های بین المللی، صدور فزاینده سرمایه به ورشد سرمایه وابسته سازگار نیست. روابط تولیدی بسته و خودکفا یا کام در روستاها امکان بدست گیری کامل با زاروستایی توسط سرمایه وابسته را محدود میکند و رشد فرهنگ مصرفی و با لافتن سریع مصرف کالا - های امپریالیستی را کند مینماید. ضرورتاً فاکتورهای سرمایه داری (که در وجه غالب روستا شیند) قدرت خرید لازم برای امپریالیسم را تامین نمیکند، نیروی کار در روستا - ها و روابط پوسیده فئودالی اسیر مینمانند و نیا زهای صنایع مونتاژی شهری را تا میسر نمینماید. در این شرایط است که تضاد فئودالیسم با سرمایه انحصاری و سرمایه داری وابسته واضح میگردد و دیگر فئودالیسم نقش خود را بعنوان متحد سیاسی مناسبات برای امپریالیسم از دست میدهد. و جگر میبارزات توده ها برضد این سیستم پوسیده و فرسوده نیز به تدریج حل این تضاد مینماید.

تضادیه بودگسترش مناسبات سرمایه - داری و بورژوازی وابسته حل میگردد و فئودالیسم در مسلح سرمایه قریبانی میشود. حل فرمیستی تضاد را با لادیکر محل و یا نیازی برای شکل گیری رونیای لیبرالیستی در تکامل با رونیای فئودالی باقی نمی

همانطور که قبلاً ذکر کردیم لیبرالیسم در معنای واقعی خود به عنوان رونیای سیاسی اجتماعی مناسب برای دوران - رقابت آزاد سرمایه داری و در شکل سیاسی دموکراسی بورژوازی پدیدار گشت و پس از حاکمیت انحصارات و با از بین رفتن زمینه - های رقابت آزاد بصورت وجودی خود را - از نظر طبقه سرمایه دار - از دست داد.

حکومت سیاسی امپریالیسم عبارتست از بسط ارتجاع در تمام جهات و تشدید استمگرایی ملی... (لنین - امپریالیسم به مثابه... و این خود به معنی اعمال سبیه ترین اشکال حکومتی ممکن در هر نقطه ای است که تحت سلطه انحصارات قرار دارد. در عین حال ما بروشنی بررسی و اثبات نمودیم که در وجه عام رونیای سیاسی تثبیتشونده در جوامع سرمایه داری وابسته دیکتاتوری است و در این جوامع حاکمیت دموکراسی محلی از اعراب ندارد مگر به استثناء اما اینک مسئله مورد نظر ما اینست که آیا در جوامع سرمایه داری وابسته اقشاری سرمایه داران هستند که خواهان برقراری دموکراسی بورژوازی باشند یا نه؟

هرگاه میخواهیم بشکلی کلی، مسئله را بررسی کنیم میتوان گفت، اقشار متفاوت سرمایه داران وابسته در عین کشمکش داخلی بر سر تقسیم ارزش اضافی حاصل از دسترنج کارگران و زحمتکشان تماماً "منافع خود را در ارتباط مستقیم با بقای وابستگی - اقتصاد و ارتباط ارگانیک با امپریالیسم مینمایند. در نتیجه تمامی اقشار سرمایه داران در جوامع سرمایه داری وابسته جهت حفاظت از روابط وابستگی از نظر سیاسی خواهان اعمال دیکتاتوری اند زیرا همه آنها بطوریکه گفتیم در وجه عام بدون به کارگیری این رونیای سیاسی بقای سیستم وابستگی سرمایه داری ساقط خواهد شد. اما بهتر است مسئله را دقیقتر و از جوه متفاوت بررسی کنیم.

بورژوازی نوپای غرب از سویی جهت تامین بهترین شرایط برای پیشرفت رقابت آزاد بین سرمایه داران جدا از هم و از سوی دیگر در تقابل با رونیای فئودالی حاکم نیا زمندا اعمال آزادیهای گوناگون منجمله آزادی بیان، مذهب، شغل و... بود و از اینرو لیبرالیسم به معنای واقعی خود شکل گرفت و سیستم حکومتی دموکراسی بورژوازی در مقابل شرایط اعمال شده از سوی حاکمیت فئودالی بوجود آمد. این نیا زهای سرمایه داری نوپا بود که این شکل از حاکمیت سیاسی را در تمام جوامع آن میطلبید. اما در جوامع وابسته مسئله به شکل دیگر بیست. تضادهای بورژوازی با فئودالیسم و انتقال سیستم حاکم از فئودالی به سرمایه داری نه بشکل انقلابی آن بلکه در شکل فرمیستی و از بالا مطلق

اعتصاب غذای دانشجویان

انقلابی ایرانی...

بطرف وزارت خارجه سوئد برگزار می...
اعتصاب غذای دانشجویان ایرانی طبق آخرین خبر رسیده در شهرهای سوئد هنوز - همچنان ادامه دارد و پختن از دانشجویان تاکنون بیهوش شده و به بیمارستان منتقل شده اند.

اهداف تمام این مبارزات: قطع فوری کشتارها و دستگیریها در ایران - محکومیت سیاست امپریالیستی دولت سوئد - و اعزام هیئتهائی برای بررسی جنایات رژیم جمهوری اسلامی می باشد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ضمن قدردانی از مبارزات بیکیفر دانشجویان مبارز ایرانی و با لافشای هواداران مدیق سازمان، یقین دارد که دانشجویان انقلابی ایرانی تا تحقق خواستههای برحقشان از پای نخواهند نشست و به مبارزات قهرمانانه خود تا پیروزی نهائی خواستههای کارگران و زحمتکشان ادامه میدهند.

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



بازسازی و گسترش پیشروانها، اهداف آن - وظایف ما

رژیم با وجودیکه از قبل ساوا و ما را نکل داده بود اما اینک پس از یک مقطع سرکوب و خنثی نهویا تمام نیروی پیش از پیش ضعف و زبونی خود را در مقابل بله با صف انقلاب - دریا فته است. او که ساده لوحانه تصور میکرد نیروهای انقلابی را با یک یورش فاشیستی نابود میسازد و آنگاه آزادانه به سرکوب مبارزات خلق میپردازد اینک در عمل دریا فته است که انقلاب ریشه در نوده ها و قدرت لایزالشان دارد و نیروهای انقلابی در پیوند تنگ با خلق فنا ناپذیرند. نطفه های این ایده ضد خلقی یعنی عربان نمودن سازماندهی ساواک و گسترش و تحکیم و وسعت بخشیدن به آن با برنامه ای حساب شده از سوی خمینی طرح شد. او از صورت یک ساواک ۲۶ میلیونی را - مطرح ساخت. آنگاه دیگران منتظری - رفتن نی و... به خیال خود این معنی را "جانداختند" سپس با طرح این مضمون در قطعنامه ای پیمان نموده هادروز تشییع رجائی و با هنر به آن رسمیت و مشروعیت دادند و در نهایت نیز بهزاد دهنوی سیرت تشکیل - ساواک اسلامی را پس از قیام شرح داد و سیرت یکشنبه ۲۲ شهریور - مباحثه مطبوعاتی - بهزاد دهنوی

بهاد دهنوی میگوید: ۱- "در آن شرایط (یعنی پس از قیام) وقتی این کارها صورت میگرفت جوی که حاکم بود بر جا معمه این تصور را ایجاد کرد که "صلا" پس از انقلاب نیازی به سازمان اطلاعاتی وجود ندارد... دشمنان انقلاب هم برای اینکه ما را از این فکر منحرف کنند مدتها تبلیغات می کردند که اینها یک چیزی تشکیل داده اند به نام "ساوا" بجای ساواک سابق. جو عمومی این چنین بود که ما اصولاً نیازی به سازمان اطلاعاتی نداریم و نیایند داشته باشیم" یعنی اینکه پس از قیام - نوده ها به خط تصور میگردند که انقلابی برای این بود که ساواک از بین برود! شکنجه و تفتیش عقاید وجود نداشته باشد، نیرو - های انقلابی به جرم عقاید خود زندانی نمی سبای نگرند و... و این خطای نوده ها سودنا آنجا که ما را از بازسازی سریع و عملی ساواک باز میداشت و از اینرو نیز ما مجبور بودیم تشکیل ساوا ما را - که آن همه برایش خون دل خوردیم! - تکذیب و انکار نکنیم.

۲- "این جوشا بدتای یکسال و نیم ادا نمیداشت و بعد کم کم برادران توانستند در زندانهای مختلف حتی از یوزهای اوایل پیروزی انقلاب (با لاجرم روشن شد بعد از یکسال و نیم) با او رکنیم یا روزهای اوایل پیروزی در کمینته یک بخش اطلاعاتی تاسیس شد و برادران سپاهیک سرکوبی کارهای اطلاعاتی را شروع کردند... یعنی با وجودیکه پیشبرد تحقیق نوده ها و آماده سازی زمینه جهت عربان نمودن بازسازی واک با ندهای

تعمیق و مراقبت، خانه های امن و اعمال شکنجه و ترور... پیش از یکسال و حتی یکسال و نیم طول کشید اما ما معطل مردم نشدیم و از همان روزهای اوایل پیروزی قیام شبکه های ساواک را بکار گرفتیم و سیستم جاسوسی و شکنجه را ایجاد کردیم اما آنرا مخفی نگاه داشتیم.

۳- سازمان اطلاعاتی علاوه بر اینکسه نیازی به افراد صد درصد مؤمن و قابل اعتماد دارد و علاوه بر این شرط نیازی به کسی دارد که توان این کار را داشته باشد و جوهر این کار در وجودشان باشد و در ضمن در کنار این تجربه کافی در این زمینه ها وجود داشته باشد. یعنی در انتهای بار دیگر تا یکدیکم که احیا و گسترش ساواک نیازی به ساواکیها بی دارد که جوهر این کار در وجودشان باشد و تجربه کافی داشته باشد با شنود یا بزبان دیگران زما می ساواکیها که احیا تا بحال بکار گرفته نشده اند رسماً دعوت میکنیم تا با یک تا شیدیه مبنی بر ساواک فی کار رود اشتن پشتکار کافی (اگر جوهر شکنجه دادن داشته باشند بهتر است) سریم" مرا جعه ناما یندنا ترنیم استخدا مجددشان داده شود.

کا ملا" روشن است که کلمات مفتضحانه "ساواک ۲۶ میلیونی" تنها سرپوشی بود - جهت رسمیت دادن به ساواک سرکوبگر رژیم می بینیم که در اینجا دیگر سخنی در این مورد نیست و حتی تا یکدیکم می شود که این عمل نیازی به تجربه کافی و جوهر لازم دارد. اما با زهم نسبی و قیحا نه (چونما بر سران رژیم) صراحتاً در دهه "این سازمان اطلاعاتی ساواک فی نظیر ساواک هیچوقت نخواهد بود یک سازمان اطلاعاتی اسلامی و مردمی خواهد بود... در این مورد نیازی به توضیح ضد خلقی بودن ساواک اسلامی نیست تنها کافیست به تبار عملی نوده ها رجوع شود. با یکدیکم اگر اینچمن های اسلامی که در کار خانات و ادارات و سازمانها وظیفه جاسوسی و سرکوب را بعهده دارند "مردمی" اند، اگر مورثیستی مدارس که نقش - تفتیش عقاید سرکوب را ایفا میکنند ضد خلقی نیست، اگر چها ردا نشکا هی در جهت نوده ها گام بر میدارد، اگر خبز الهی های محلات و جاسوسان و خائنین به خلق در - خدمت مردمند و با لاجرم اگر ساواکها در - جهت انقلاب نوده ها حرکت میکند، ساواک رژیم جمهوری اسلامی نیز "مردمی" است اما نوده ها در تبار خود بخوبی دریا فته اند که تباری نه ندهای در خدمت رژیم سرکوبگر خلقها یند.

روشن است که با ید در مورد این عمل سرکوبگرانه رژیم وسیعاً افشاگری نمود، با ید نقش جهنمی ساواک را با ردیکریسه مردمی با آوری کرد با ید از آزادی عقیده و بیان و عدم وجود تفتیش عقاید بیمنوان - یکی از حقوق ابتدائی نوده ها سخن گفت و مردم را به مقابل با گسترش و وسعت با بی

این نهاد ضد خلقی فراخواند، با ید شاعر - انحلال ساواک و دستگای های جاسوسی و تفتیش عقاید رژیم را به میان مردم برد. اما این مساله به هیچ روی کافی نیست.

رژیم با این عمل خود با اعمال دیگری که در تکمیل آن انجام میدهد قصد دارد جو رعب و وحشت حاکم بر جامعه را تداوم بخشد، قصد دارد جلوی بحث و گفتگو در میان مردم، جلوا انتقال اخبار و جلوگیری از افشاگریها را بگیرد. رژیم سعی دارد با ایجاد وحشت و جود ساواک در همه جا همه گونه که شاه عمل میکرد نوده ها را بترساند و ایران را به گورستان خاموش و به "جزیره امنیت" بدل سازد. رژیم اینک با خیا با نگردهی، - یورش به بخشها، با دستگیری بحث کنندگان در صفا و با ایجاد دعوا توسط فاشیستهای مزدور ساواک در بخشها مبنی بر مهاجرت تا کسبها بی که در آن بحث صورت گیرد و با گسترش شایعه های مبنی بر قدرت ساواک رژیم و حضور آن در هر کجا قصد دارد با ین نیت ضد خلقی خود را به عمل در آورد.

با ید با این سیاستها به مقابل بر خاست. با ید برای نوده ها روشن کرد که ساواک نمیتواند در هر کجا نفوذ کند، ساواک نمی تواند با قدرت نوده ها به مقابل بر خیزد، آنکاه که همه بحث کنند، همه خبرها را انتقال دهند ساواک خوار و زبون است. آنکاه که هر کس اعتراض خود را بیان کند ساواک قادر به عمل نیست. با ید به نوده ها ضعف و زبونی رژیم را توضیح داد. با ید بحث را در هر کجا بر آه انداخت. و به پیش برد. با ید شکوت را شکست. با ید به مردم که اینک اکثران - میگویند "حرف نزن میگیرند عدا مت می کنند" نشان داد که در صورتی که همه حرف بزنند رژیم بر ما می جلاد است هیچ غلطی نمیتوانند بکنند. در این رابطه شکل دادن نظرات موضعی نیز که توسط نیروهای - انقلابی صورت میگردد نقش مثبتی دارد. (و خواهد داشت). اما در این مورد نکات دیگری نیز قابل ذکر است و آن رعایت کامل و دقیق مسائل و نکات امنیتی است اینک هر گونه بی توجهی به مسائل امنیتی موجب ضربات شدیدی بر پیکر انقلاب میگردد. و از اینرو با ید در این رابطه توجهی ویژه مبذول داشت.

۱- با ید توجه داشت رعایت نکات امنیتی جهت پیشبرد دقیق و کامل وظایف انقلابی و برای تداوم بخشیدن فعالیت انقلابی است و آنکاه که مخفیکارها تا آنجا پیش بروند که وظایف انقلابی تعطیل گردد. با ید بقولی آنقدر مخفیکاری کنیم که مبارزه را کنار بینیم، به عمق را زانند بل میشود. با ید به بهانه مخفی کاری در مجامع عمومی بحث راه نیندازیم، افشاگری نکنیم، تبلیغ را در هر نوع آن بکناری نهمیم... ۲- برخی رفقا بدلیل رعایت مخفی کاری خود را لوم میدهند آنگونه غیر طبیعی رفتار، بقیه در صفحه ۱۲

زندانی سیاه سی آزاد باید گردد، تهور، شکنجه، زندان نابود باید گردد

تقلیدی ناشیانه از شگردهای کثیف ساواک

بحثی پیرامون تشوهای تلویزیونی رژیم

اما در این راه همواره سبزهستاندارانی که سنگلاخهایشان را می آزارد، آفتاب - سوزان دجار سرگیجهشان میکنند و خستگی آنان را از پای می اندازد. اینان همواره هستند و از بودنشان گریزی نیست اینان با لایش های متعدد و مداوم، آرزوهایشان کوناگون و محک زدن های پی در پی است که لازم است تا زمانی که رزمنده و انقلابی و در نتیجه روند میارزه طبقاتی را از گزند آسیب خائنین و "نادمین" محفوظ دارند.

در این راه است که میتوان شرایط کنونی را بررسی کرد. آفتاب گمرنگ دمکراسی که بر اثر مبارزات توده ها پس از سالیان سال پر قرار ی شب سیاه دیکتاتوری به میهنمان تابید. علاوه بر آنکه جان تازه ای در کالبد مبارزین دمید و بسیاری از خفتگان را - بیدار ساخت و توده های وسیعی را به مبارزه کشید، گرمهای زبر خاک را نیز به لمسیدن بر روی خاک گرم فرا خواند. بسیاری که مبارزه را از آن پنداشتند و جاده را هموار دیدند (و این نیز از کوهت بیینی شان بود) پا به میدان نهادند اما دیری نپایید که ابرسیاه خفقان بر میهن گسترده گشت. سرکوب، کشتار، ترور و دستگیری شدت یافت و پیچ و خم سنگلاخها به پدیدار گشتند. در اینحال بود که گرمها سرد بر خاک فرو بردند و برخی از آنان که در بر خود آمدند می در رژیم خونخوار گشتند و در جنگل جلا دبه ناله وزاری و اظهار رندامت برداختند. البته روندی که گذشت زمان نشان میدهد ضعف آموزشی تشوریک سیاسی در سطح جنبش نیز به بقای این ترلزلات و بروز - سریع آن کمک کرده است و همچنین برخی سهل انگاریها و خطاها باعث شده تا برخی از عناصر متزلزل - بسیار رندرت - در درون سازمانهای مبارز نیز نفوذ نمایند. بهر حال بررسی این روند خود تجر بهمای است که باید توسط تمامی نیروهای انقلابی بکار بسته شود.

اما بهر رو مقایسه تعداد این نادمین با تعداد زندانیان سیاسی موجود و حتی مقایسه تعداد این خیا تشکران با تعداد اعدام شدگان بخوبی نشان میدهد که چگونه جنبش بدرستی راه خود را به پیش میبرد و مبارزین را از موده و آبدیده میمازد. باید در خاطر داشت که اینک رژیم با تمامی دروغ و فریبها پیش چیزی حدود ۲۰۰۰۰ نفر را به تلویزیون گشاده است در صورتیکه در - همین مدت پیش نزدیک به هزار نفر را - اعدام نموده است. ۱۰۰۰۰ مبارزی که تا پای جان بسیاری از آنها حتی نام خود را نگفته - اند و با سوزن زنده با انقلاب به کار روان شهیدان پیوستند. این مقایسه بخوبی نشان میدهد که به هیچ روی نسبت خائنین

در این مورد مساله بسیار قابل توجه اینست که طرفند آخردر میان توده ها تنها و تنها موجب افشای هر چه وسیعتر خود رژیم میگردد. آنگونه که گزارشات توده های نشان میدهند مردم مقابل این تهمت های کثیف رژیم را به استهزاء میگیرند و این مساله عمومیت دارد. مثلاً "کارگری میگفته است" من از این گروه ها اصلاً خوش نمی آید ولی میدانم اهل این حرفها نیستند".

چنین نمایشاتی را میتوان به دو دسته تقسیم کرد. دسته اول نمایشات فرمایشی و سراپا دروغ در آن فالانژها و ایادی خود رژیم شرکت دارند. از جمله میتوان آن - نمایش مسخره های را که یکی از همین زنان مزدور رژیم و قیحا نه را جیفی سراپا دروغ را سرهم میکرد نام برد. این سری نمایشات در توده ها کاملاً تا شیری معکوس انتظارات رژیم مینهد اگر در مورد همین نمایشات نام برده به گزارشات مراجعه کنیم بخوبی می بینیم که تمامی مردم در این مورد رژیم را به مسخره میگیرند و کاملاً مشت رژیم را مقابلشان باز است. زن کارمندی از انتشار میانی میگفت "یا رو دختره معلوم بود این کارهاست. از خود این حزب الهی ها بود" و تمامی سخنان دیگر بر همین محور دور میزند. و با در مورد دختر که آرشا به سر سازمان منسوب کردند، اکثر گفتگوها بر این محور دور میزند که "اقلاً" میخوای بگی فدا شیم دیگه بسم الله نگو" و یا "اینکه همه صورتشو گرفته بود از کجا معلوم از خودشون نباشه"...

اما در دسته دیگری از نمایشات نادمین و "بریده" ها شرکت دارند. قبل از آنکه به محورهای سیاسی این نمایشات بسمه پردازیم تذکری در مورد این دسته از افراد لازم است.

همواره بسته به شرایط حاکم بر جامعه افرادی به مبارزه روی میآوردند مثلاً در - موقعیتهای انقلابی تمامی توده ها جان برکف به صحنه میآیند اما در دورانها نیز کودکی سیاسی و یا در شرایط ترور و اختناق برای مدتی تنها اقاتار پیشرو هستند که پرچم مبارزه را بردوش میکشند و به تدریج توده ها مبارزه آشکارا آغاز میکنند. مساله مشترک که در باره تمامی این افراد صدق میکند اینست که تنها در کوران مبارزه طبقاتی است که آبدیده میگردند و چون بیستولای استقامت میبایند. هر چند خاستگاه طبقاتی در این مورد نقش بازی میکند اما این تنها پیچ و خم و راه صعب الصبور مبارزه است که میتواند افراد را به مبارزینی چون مسعود و مجید احمدزاده، بیژن جزینی، همامون - کتیراژی و یا رضا شهبان و دیگر قهرمانانی بدل سازد که در زیر شکنجه های سیوانه رژیم شاه و سحر سگوت سرب زنده و به حماسه ها پیوستند.

وضعیت رژیم جمهوری اسلامی لزوم چندانی به تصویر کردن ندارد. چون روز روشن است که رژیم تمامی نیروهای سرکوب خود را بکار گرفته تا شاید بتواند چندی بر سر نیزه تنگه نماید. اما بحران حاکم چنین آرزوهای را به او نمی دهد. رژیم خم خورده، خسته و پراکنده خود را به هر سو میکوبد، جنگ و دندان نشان میدهد، توده ها را حتی به گنا حضور در محل تظاهرات محابا بهر گویا میبینند. جوانان را به جوخه های اعدام میسپارد. نعره سر میدهد "گروهکها مزدور آمریکا شنیدند" "سازمانهای مخالف رژیم از هم پاشیدند" و به حیل و تزویر متوسل میشود تا شاید بتواند از دام مرگ محتمل خود بگریزد. یکی از حیل های کهنه ای که رژیم بکار گرفته است شوهای تلویزیونی است. هر چند این نمایشات ابتکار رسا و اک نبود و مدت های مدید توسط دولتهای سرکوب و ضد خلقی بکار برده میامد اما ساواک نیز در برگزاری چنین نمایشاتی استاد بسیار داداشست. نادمین و "بریده" ها را زمانی که کاملاً آماده میشدند برای تلویزیون میکشید و به خیال خود بوسیله آنان به افشاء و منزوی کردن گروهکهای "خراشکار" میپرداخت. اینک این شگرد بشکلی بس ابتدائی و - احقاً نه که به پیشتر به تقلید میمون کشور همیاندا ز سوی رژیم جمهوری اسلامی بکار گرفته شده است. پیش از بحث در مورد جوانب مختلف این مساله بهتر است برای چندمین وهزارمین مرتبه تا کید کنیم - هر چند مرتجعین کوردلان تا ریخند و نمیتوانند از تجارب آن بیاموزند - اما سران رژیم با دیدن اندا گراستادان آنها یعنی شاپتی نمیری و نشا جلا از این طرفندها سودی - بردند اینان نیز خواهند توانست به این طریق به طول عمر خود بیفزایند.

نمایشات تلویزیونی رژیم را میتوان از جنبه های متفاوت بررسی نمود. هدف رژیم از برگزاری چنین نمایشاتی کاملاً روشن است. رژیم به این طریق قصد دارد به عیب از سوئی تحلیل های خود را - در رابطه با صدا میریالیست بودن و حمایتش از - "مستضعفین" و... بخورد توده ها دهد. و چون تصور میکند که این روش از روشهای مستقیم چون برنامهای رادیویی و تلویزیونی یا مقالات روزنامه ها و سخنرانی های نماز جمعه، بردوسیعتری دارد بدان متوسل میشود. از سوی دیگر قصد دارد گروهها و سازمانهای انقلابی را به شکلی دگرگونه در ذهن توده ها جلوه گر نماید و اعتماد و اطمینان آنان به انقلابیون را ببرد و از راه سازد. در این رابطه عموماً "علاوه بر محور - های سیاسی از تهمت های کثیف نیز سود میبرد و سعی دارد بدین طریق با انگشت نهادن بر ذنبت توده ها و تعصبات آنان، آنها را بر ضد نیروهای انقلابی بشورانند.

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

بحران اقتصادی، رشد قاچاق و قاطعیت خلخال!

بقیه از صفحه ۱

در این فرصت بجا است نگاه گذرا به زمینه‌ها و علل اقتصاد دی - اجتماع شیوع قاچاق و اثرات مبارزات اسلامی "با قاجاق" بپردازیم. ظرف دوسه ماه اخیر مقامات - حکومتی با رها از سانه ۵۰۰ گروهی اعلام کردند که محمولات سنگین و پربها شی از مواد مخدر (دریک مورد حدود ۴۰۰ کیلو هروئین) از قاچاقچیان کشف کرده اند و چنان که گفته اند این کشفیات در تاریخ مبارزه با مواد مخدر بی سابقه است و به این لحاظ - باید به حساب افتخارات جمهوری اسلامی گذاشته شود. می دانیم که این کشفیات تانکی پس از دوران " قاطعیت انقلابی " آیت الله خلخالی قاچاقچیان کشتگان مواد مخدر صورت میگیرد. وظایف این امر هم بدیهی است که کارآئی شهرپا نی واداره مبارزه با مواد مخدر را اگر کاهش نیافته باشد (مثل شما منهای دولتی دیگر) لااقل در سطح رزمی سابق است. پس چگونه است که این کشفیات عظیم و بی سابقه صورت میگیرد. آیا نمایان تصور را به حقیقت نزدیک دانست که در واقع سلسله تولید و توزیع مواد مخدر چنان گسترده است که دستگا شهرپا نی باندکی تلاش میتواند محمولاتی به این گران را کشف کند؟ آنچه این حدس را - تقویت میکند ادامه شیوع مواد مخدر و حتی گسترش آن در بعضی نواحی و سهولت دست یابی به مواد مخدر است.

در مورد قاچاق مواد مخدر باید یاد آور شد که بنا بر مدارک و شواهد گوناگون و از جمله اسناد سازمانهای سین المللی نظیر سازمان بهداشت جهانی، تولید و توزیع مواد مخدر یکی از رشته های بسیار سودآور سرمایه گذاری در مالک سرمایه داری است. - منتهی شرایط خاصی که مجال بحث آن نیست موجب شده که قسمت اعظم تولید در مالک تحت سلطه نظیر تان بلند، افغانستان (پیش از تحولات شور ۱۳۵۸)، ترکیه و... صورت گیرد و البته در این مورد سرمایه های بین المللی امیرالیمین نقش قاطع را دارند. سرمایه های گزافی در سراسر جهان سرمایه داری صرف تولید و توزیع مواد مخدر آور مخدر میشوند و این خود یکی از جنبه های گنبدگی امیرالیمین است. امیرالیمین سودآور - تولید و توزیع مواد مخدر در عین حال یکی از شبکه های اقتصادی است و در این انحصارات رقابت های خونینی در جریان است و بویژه آنان که با قدرت های حاکم ارتباط نزدیکتر دارند، آرا مکان بیشتری برای برقرار کردن انحصار بیشتر به سود خود بر خورد دارند. به عنوان مثال، شما با سارا شرف پهلوی سوده قاچاقچیان مواد مخدر ایران شاهنشاهی یاد کردیم برای سرفرازی انحصار بیشتر ترکیبی داده بود که با قاچاقچیان "متفرقه" با شدت بسیار اشتناقی برخورد شود و وظایف آنها پس از آن که رقیبان به شرایط مطلوب انحصارگر بزرگ تن در دادند، اعدا مهملی کا هش یافت.

بنا بر آنچه در جهان سرمایه داری می گذرد، میدانست که قاچاق مواد مخدر یکی از رشته های سرمایه گذاری، نظیر سایر رشته ها است. بویژه در مالک تحت سلطه، از جمله به علت محدود بودن زمینه های سرمایه گذاری

و ساخت دیکنات سرمایه با نه قدرت و عوامل دیگر این رشته بسیار پر رونق است. ویژگی این رشته از "تولید" سرمایه در ریدر ایران کنونی این است که پس از قیام بهمن، و از زمین رفتن قدرت سیاسی سرمایه های بزرگ (منجمله در رشته قاچاق مواد مخدر)، سرمایه های متوسط به این رشته هجوم آوردند و "کار" خویش را درست بخشیدند. دستگا شهرپا نی که حتی کارآئی سابق خود را نیز از دست داده بود، منتهی توانست مانع این رونق شود. و ظرف مدتی کوتاه با انباشت سریع سرمایه در این بخش اقتصاد سرمایه داری، و تان ما سراسر خوردگی جوانان و سایر عوامل فرهنگی ارضیه رژیم پیشین که زمینه ساز رشد مصرف مواد مخدر بود، "کار" در رشته مواد مخدر ایجاد عظیمی به خود گرفت و بدین گونه بر این رشته نیز همان هرج و مرج و آشفتگی سایر رشته های اقتصادی کشور، حاکم شد.

انبوه سرمایه های سرگردان که پس از بروز شدت رکود اقتصادی راهی برای سود آوری نمی یافتند، به این رشته هجوم آوردند حتی بخشی از بورژوازی منتهی به این ترتیب به "بورژوازی لومین" تبدیل شد و به کمک انبوه نیروی کار سیگار و بیکار شده برایشان، شبکه قاچاق را گسترش فراوان داد. اینک علاوه بر قاچاق تریاک و هروئین و سایر مواد مخدر، تولید و توزیع انواع مشروبات الکلی و توزیع انواع سیگارهای خارجی و ظاهرا "ایرانی" (بهمن و آزاد) نیز بر قلمرو قاچاق مواد مخدر افزوده شده البته این رشته قبلا کم و بیش در حوزه قاچاق قرار داشت، منتهی در شرایط زمین رکود و بیکاری، بر تعداد واسطه ها و کارگزاران این رشته ها افزوده شد و خود را ملی برای ظهور و ترمیم زمین رکود اقتصادی شد. البته باید توجه داشت که در یک تحلیل گسترده تر میتوان توزیع احتکارگران بسیاری از کالاهای مورد مصرف عمومی یا دگر دگرگانه اصطلاحا "احتکار" را مشاهده و در واقع بخشی از قاچاق را تشکیل می دهد. دامنه هجوم سرمایه های سرگردان و عاقل به بخش قاچاق چنان رشد یافته که به قول مسئول شرکت دخانیات اکنون - سیگار رویتستون که هر بسته آن به قیمت ۲۰ ریال شما میشود، به قیمت حدود ۲۰۰ ریال در اختیار مصرف کننده قرار میگیرد و سیگار رویتستون بهمن که توسط خود شرکت به بهای بسته ای ۲۰ ریال باید در اختیار مصرف کننده قرار بگیرد، به اعتراف خود مسئول شرکت دخانیات، به دوونیم برابر قیمت اصلی در بازار بیفروش میرسد. در روزنا ماها گنگاه خوانندگان ساده دل - شکایت میکنند که چرا سیگار بهمن در همه جا و به قیمتی هست، الا در مغازه ها و به قیمت رسمی، و پاسخ مسئولان ما این شکایت ها، استناد از قاطعیت انقلابی آیت الله خلخالی است!

حقیقت، چرا - و یا لااقل بخشی از آن - در این مورد اینست که "دستپا نی پنهان" که همان واسطه های سنتی سیگار هستند، در این آشفتگی با زار اقتصاد و محدود شدن سایر زمینه های سوداندوزی، ترجیح می دهند به جای قناعت به حق دلالتی مرسوم،

سیگار را به واسطه های دیگر بیفروشند و یا چند دور دست به دست شدن کالاهای، قیمت آن به ابعاد بسیار آموگنونی میرسد. حتی بعضا مغازه داران نیز که از توزیع سیگاری از کالاهای به علت دولتی شدن توزیع و یا فقدان و کمبود کالاهای، محروم شده اند و در اندکشان کا هش یافته، کا هش در آمد خود را از این راه جبران میکنند. (توجه در مورد سیگار گفته شد با بعضی تفاد و تان در مورد سایر کالاهای که در سلسله دستفروشان زدگانه - داران موجود یافت میشود، اما در مغازه ها از آن ها اثری نیست، نیز مصداق دارد) رشد شکفتن و قاچاق چه در زمینه های "سنتی" (که کما بیش شامل کالاهای ممنوع از سلسله اخلاق مرسوم جامعه میشود) و چه در زمینه های جدید (شامل معاملات احتکاری کالاهای مصرف عمومی) یکی از جلوه های رکود تورم عارض بر اقتصاد محض ایران است. و خود این پدیده بویژه قاچاق مواد مخدر - از ویژگیهای نظام سرمایه داری است که در سودای سود، هرگز بیرواشی از هیچ منبع انسانی و اخلاقی نماند. و تنها در نظام سوسیالیستی است که به علت سلب مالکیت از سرمایه های بزرگ و متوسط، قاچاق به عنوان یک رشته اقتصادی محو میشود و زمینه های اجتماعی اعتیاد به مواد مخدر نیز از میان میرود.

اما آنچه در این میان مضحک است، نحوه رویارویی مسئولان حکومتی نسبت به قضیه قاچاق است آنان چنان که از یک دیدگاه تنگ نظرو بسته به اقتضای عقیده مانده جا معه میتوان انتظار داشت، با برخوردی محدود و اخلاقی، بدون درک علل اقتصادی پدیدایش و رشد قاچاق و زمینه های اجتماعی اعتیاد، هر جا که با یکی از جلوه های چشمگیر قضیه رویرو شدند، دست به دامن قاطعیت انقلابی آیت الله خلخالی میشوند. آنان از درک این واقعیت غایبند که در شرایط حکمرواشی قاطعیت خلخالی وارد رواج با مسئله مواد مخدر، محموله های ۴۰۰ تنی هروئین کشف میشود و به همین مناسبت برای مبارزه با گردان فروشی کالاهای مصرف عمومی و از جمله قاچاق سیگار نیز به همان اما مزاد های متوسل میشوند که عده کثیری از قاچاقچیان ریز و درشت را - کشت، اما نتوانست و نمی توانست درد - قاچاق و اعتیاد را شفا کند.

زیرا چنان که گفتیم ریشه قاچاق در بخش نظام سرمایه داری نهفته است و تنها از میان بردن سرمایه های بزرگ و متوسط برقراری اقتصاد با برنام و کنترل کردن سرمایه های کوچک و سوق دادن آنها از طریق تفاد و نسیب به رشته های مفید اجتماعی و از طرف دیگر استقرار فرهنگ نوین و امید آفرین سوسیالیستی است که میتواند - ریشه های این رشته اقتصادی "سرمایه داری" را از بیخیر اندازد. لیکن از دید مسئولان حکومتی و از جمله مسئول شرکت دخانیات قضیه ساده تر از اینها است: عده ای فرصت طلب و قاچاقچی تخت عنوان بیگاری مبارزت به عرضه سیگار به قیمت بالا میکنند. و برای مبارزه با این فرصت طلبان و قاچاقچیان و بیکاران - باید به جوخه های اعدا خلخالی فرمان - شلیک داد!



اعتلای جنبش رها ئی بخش خلقهای آمریکای مرکزی

وتوطندهای امپریالیسم آمریکا

"جبهه رها ئی بخش ملی فابوندمازتی" (F.A.S.W.) که اکنون درگیر نبرد با خونتای - نظامی، جاکم برالسا لودورا است، اخیراً فاش ساخت که ارتش السالوادور قصد دارد تا با مشارکت آمریکا و ارتشهای گواتمالا و هندوراس، ضد حمله ای گسترده و همه جانبه را علیه انقلابیون السالوادور به اجرا در آورد.

بخش شرقی آمریکا مرکزی که تا قبل از چهار کشور گواتمالا، هندوراس، السالوادور و نیکاراگوئه می باشد از اهمیت اقتصادی و استراتژیک فراوانی برای امپریالیسم آمریکا برخوردار است. منافع اقتصادی سرشار این کشورها برای آمریکا عبارتند از: نیروی کار ارزان که در بخش کشاورزی تحت استثمار آنها کشت و صنعت است. آمریکا بیست، گالاهای مازاد را از این منطقه قبیل قهوه، پنبه و نیشکر که عمدتاً بطنه آمریکا میگردند، منافع نفت آن که در اختیار انحصار شرکت نفتی آمریکایی میباشند و نیز با زار بکر برای به جریان آفتان سرمایه های امپریالیستی، اهمیت استراتژیک ویژه این کشورها نیز به سبب آنکه ایسین کشورها بر سر راه آمریکا به آمریکا جنوبی قرار داشته و آمریکا برای حراست از بازرگانی اقتصادی و حمایت از مزدوران خویش در - آمریکای جنوبی با پیدای این منطقه عبور نماید غیر قابل انکار است.

در پی قیام پیروز مند خلق نیکاراگوئه در ۱۹ ژوئیه ۱۹۷۹ به رهبری "جبهه رها ئی بخش ملی ساندینیستا" (F.S.L.M.) و به دنبال آن

نیکاراگوئه از بند رسه:

"جبهه رها ئی بخش ملی ساندینیستا" (F.S.L.M.) که در پی وحدت اکثر نیروهای انقلابی نیکاراگوئه تشکیل شده بود، در دسامبر ۱۹۷۴، با انجام یک حمله مسلحانه به منظور آزاد ساختن ۱۴ زندانی سیاسی در بند سوموزا، روحی تازه به کالبد مبارزه مسلحانه چریکی در این کشور دمید. این حمله، نقطه آغازی بود برای حرکت به سوی دوهدف اساسی جبهه یعنی برقراری - ارتباط با توده ها و ترویج و تبلیغ ایده های انقلابی در میان آنان از یک سو و تربیت چریک حرفه ای از سوی دیگر.

پیشروان ساندینیست که سال در راه - رسیدن به این اهداف کوشیدند، در ۱۹ ژوئیه ۱۹۷۹، دوشا مواج خروشان خلق - دیکتاتوری سوموزا را سرنگون ساختند و دولت انقلابی ساندینیستا را تشکیل دادند. این دولت که با ۴۰ هزار شهید، زخمی و معلول شدن ۱۰۰ هزار نفر، آوارگی ۲۰۰ هزار خانواده به قدرت رسیده بود (کل جمعیت این کشور در زمان قیام اندکی بیش از ۳/۴ میلیون

اوجگیری مبارزات چریکهای انقلابی و حمایت گسترده توده ها از آنان در السالوادور و نیز ارتقا دوسیع نیروهای انقلابی و آغاز - مبارزات مسلحانه چریکها در گواتمالا، بخش شرقی آمریکا مرکزی به کانون بحرانی ستیز بدل گشت. امپریالیسم آمریکا که دو سال قبل با سرنگون شدن دیکتاتوری سوموزا در نیکاراگوئه یکی از زائندهای مزدور خویش را در منطقه زدست داد، اکنون در - صدد است تا همگام با بحرانی تر شدن اوضاع این منطقه، حضور خویش را چه مستقیم و چه غیر مستقیم در آن افزایش دهد. بدین منظور از سوی دولت انقلابی نیکاراگوئه را با تحریم اقتصادی و تجارزات مرزی تحت فشار قرار میدهد، در السالوادور و گواتمالا که دیگر ناکارهای داخلی میباشند - تقویت ارتش و تروریسم استراتژیک انقلابیون میسر داد و هندوراس را نیز که از لحاظ - جغرافیایی در مرکز این کانون بحرانی واقع شده و لی هنوز "ارام" است، نمیتوان زائنده این منطقه برگزیده و به تجهیز و تعلیم ارتش آن میسر داد. از سوی دیگر میکوشد که در جدا مکان منطقه را در محاصره نظامی خویش قرار دهد، تا در صورت کارگرفتن شدن هیچک از توطئه های فوق وادامه و اوج - گیری ناآرامیهای منطقه، خود نیز مستقیماً در عملیات سرکوب شرکت جوید.

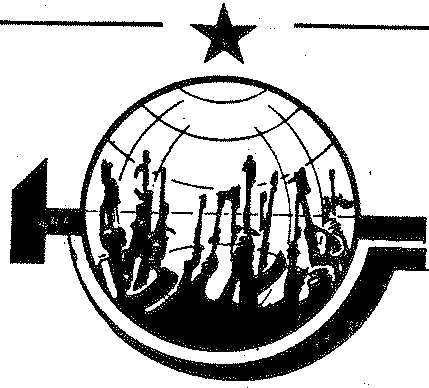
اکنون با نگاهی کوتاه به اوضاع داخلی هر یک از کشورهای فوق، به جمع بندی سیاست کلی امپریالیسم آمریکا در این منطقه می پردازیم.

نفر بود، اینک پس از پیروزی قیام خلق با مشکل عظیمی روبرو بود: اقلام دوایسته و رشکسته، نیکاراگوئه که طی دوران دیکتاتوری سوموزا وابستگی اقتصادی شدیدی به امپریالیسم آمریکا پیدا کرده بود (بیش از ۹۰٪ درآوردات و ۷۵٪ درآوردات این کشور طی این مدت به آمریکا اختصاص داشت)، در زمان - قیام موضعی مصیبت بارتر از همیشه داشت. چرا که خانواده سوموزا طی آخرین سال - حکومت دیکتاتوری، بخش مهمی از دارایی خویش را بصورت نقداً از کشور خارج نموده بود. وقایع ذکر است که در آئی این خانواده - حدوداً "برابر بود با کل سرمایه جاری در مملکت منتهای سرمایه های آمریکائی. امپریالیسم آمریکا نیز با بهره جویی از این نقطه ضعف عظیم دولت انقلابی که برای بازاری اقتصادی در رشکسته احتیاج به وام خارجی داشت در تلاش است تا حداکثر فشار اقتصادی را بر این کشور وارد آورد.

در زمان اوجگیری مبارزات انقلابیون در السالوادور، امپریالیسم آمریکا با عنوان کردن این مسئله که دولت ساندینیستا حامی چریکهای السالوادور است، کمکهای اقتصادی را به این کشور قطع کرد و نیز

جنبش جهانی

تارگ - ری - رها ئی بخش



وام ۴۰۰ میلیون دلاری نیکاراگوئه از - "بانک جهانی" و "بانک توسعه آمریکای مرکزی" هر لحظه، با خطر وتوشدن از سوی آمریکا روبرو میباشند چرا که آمریکا در هر دوی این بانکها دارای حق تصمیم گیری در مورد کشورهای وام گیرنده میباشند. در کنار تمام این توطئه ها، دولت آمریکا کمک سالانه ۱۰/۶ میلیون دلاری خویش را به بخش خصوصی اقتصاد نیکاراگوئه ادامه میدهد چرا که در حال حاضر مهره اصلی کار - شکنی در پروژه های اقتصادی دولت انقلابی نیز همین بخش خصوصی است.

یکی از عملکردهای اصلی دولت انقلابی افزایش توانائی نظامی ۴۰ هزار عضو ارتش خلق و نیز حفظ آمادگی رزمی ۱۰۰ هزار عضو "میلیشای توده ای" میباشند. چرا که خطر تجار و زنگار می بطور دامنوا ز سرسوان کشور را تهدید میکند: حال چه بصورت مداخسه نظامی مستقیم آمریکا از سوی دریا، یا حمله گارداسا بق سوموزا که در هندوراس - مستقر است و یا بصورت تجار و زار رضی ارتش هندوراس، اعضای گارد سوموزا پس از قیام پیروز مند خلق نیکاراگوئه چه داخل خاک هندوراس گریختند و سپس به خرج امپریالیسم آمریکا یا در بیابانهای نظامی آمریکا و یا در خاک هندوراس تعلیمات ویژه - دیدند. و اکنون با تجهیزات کامل در مرز هندوراس - نیکاراگوئه مستقر و هر لحظه آماده حمله به خاک نیکاراگوئه میباشند. اینان تنها طی ۴ ماه اول سال ۱۹۸۰، ۱۲۰۰ یورش به منظور غارت بانکها و موسسات - دولتی و قتل ساندینیستها انجام دادند. هم اکنون مذاکراتی میان فرماندهان گارداسا بق سوموزا و ارتش هندوراس با حضور نمایندگان آمریکا در جریان است تا در مورد چگونگی حمله به نیکاراگوئه تصمیم گیری گردد.

السالوادور: در راه پیروزی

هنگامی که در اکتبر ۱۹۷۹، در پی یک کودتای نظامی حکومت ژنرال رومرو سرنگون شد و یک -

یک ارزیابی کوتاه از ذهنیت حاکم بر توده‌ها

مردادماه ۱۳۶۰

آنچه در زیر میآید جمعبندی ز گزارشات توده‌ای است که در ارتباط با تحولات جاری در مردادماه بدست ما رسیده است. قبل از بررسی ذهنیات حاکم بر توده‌ها و تحولات آن در ماه گذشته لازم است کمی در مورد ضرورت وجود چنین ارزیابی‌هایی صحبت کنیم.

در شرایط بحرانی کنونی، در زمانی که تحولات هر ماهه بیشتر از چندین سال دوران رکود در ذهنیات، تجربیات و آگاهی توده‌ها تا ثیر میخورد، اتخاذ تکنیکهای مناسب و حرکات و حضور یک سازمان در میان توده‌ها و شکل دهی شیوه‌های مناسب جهت پیشبرد جنبش خلق، تنها زمانی میسر است که به درستی نیضی جامعه در دست باشد. این مسئله تنها و تنها با سازماندهی یک سیستم صحیح گزارش دهی جامعه عمل بخود میبوشد. ما در مورد مسائل گزارش دهی، ضرورت آن، شیوه‌های عملی آن، عواید و مفاصله‌ها، ارگان‌های سرسری مفصل بحث کرده‌ایم. و از طرفی میخواهیم که با مطالعه دقیق این مقاله در جهت تکمیل هر چه بیشتر سیستم گزارش دهی سازمانی بکوشند ما در اینجا بدو نکته تا کید داریم. اول اینکه تمسداً گزارشات در شرایط کنونی نقش تعیین کننده‌ای را در ارزیابی صحیح ذهنیات توده‌ها بازی می‌کنند. مثلاً سقا رفقای تشکیلات و هواداران بهای لازم را بدین مساله نمیدهند و از نیرو و جریخ‌های خاصی که گزارش نویسی از عمده وظایفشان است از سایر بخشها - مثلاً کارمندان، - مساله‌های توزیع، دانش آموزان، تعداد بسته‌های گزارش بدست ما میرسد و همچنین در این زمان در گذشت اما از رفقا میخواهیم که برای این مطلب تا کید کامی کنند و بهای لازم را به گزارش نویسی بدهند. دوم آنکه سرعت انتقال گزارشات بسیار کم است و در این رابطه رفقای مسئول بهای لازم را به انتقال سریع گزارشات رسیده‌اند. از رفقا موکداً میخواهیم هیچ گزارشات رسیده‌اند. خود نگه‌دارند و بکنند و سرعت هر چه تمامتر حتی با در نظر گرفتن قرارهای ویژه برای این مورد - گزارشات رسیده را منتقل نمایند.

اما به نامی کمی‌ها و کاستی‌ها ما سعی خواهیم کرد در این شرایط خاص - بصورتی مرتب ارزیابی‌هایی را از ذهنیات حاکم بر توده‌ها را در سرتیبه‌ها را راه دهیم تا از سویی نامی نیروها و سازمان‌های انقلابی قادر باشند از این تجربیات و گزارشات در تحلیلها و برآوردهای خود سود ببرند (همچنانکه ما نیز همچو هم هر سازمان نیروی در حد توان خود به آن عمل دست یازد) و از سویی دیگر نامی رفقا و هواداران بتوانند بدست‌های تنشی جامعه حرکات و وسایعات خود را در سستی سازمان دهند.

ارزیابی موجود در شرح بخش تنظیم گذشته است. اما هرگاه به خواهم در شکلی کلی مشخصه این مقطع - مردادماه - را بیان کنیم میتا رنگت، تشدید بحران اقتصادی رژیم سیاسی، عیان شدن بیش از پیش ناتوانی رژیم در برپا نگه داشتن به خواستهای حاکمات و قطعاً امید توده‌ها از آرزوهای روحیه اعتراضی توده‌ها به همراه گسترش ناراضی‌های عمومی علیه رژیم فاش رخصان و سرکوب شکستن نسبی جو ارباب و جوانه زدن مجدد نیروهای انقلابی و تمایل آنان به امر وحدت.

بحران اقتصادی و توده‌ها:

اقتصادی حاکم پیش از پیش ایضا دهلناک خود را نشان میدهد. فقر روز افزون توده‌ها و گران‌تر شدن نموده‌های عینی است که ورشکستگی سیاستهای اقتصادی دولت را به نمایش میگذارد. برخلاف مسائل اجتماعی و سیاسی که توده‌ها در باره آن با احتیاط و صحت می‌کنند. ما مثل اقتصاد می‌پویند. گران‌تر و کمبود ما بحتاً اولیه، تنها شکن غالبی است که اکثریت قریب به اتفاق بر خورده‌های ما در سراسر کشور آن میگذرد و توده‌ها بدون ترس و او همه‌آنها در هر موقعیت و مکانی ابراز می‌کنند. از این رو با بدزات و بی‌جهت جهت خود را به اعتراضات و مبارزات اقتصادی توده‌ها - که اثرات عمده ترس کربال بروز چشم‌و کین خلسه نسبت به رژیم ضد خلقی است - و ارتقاء - آنان به سطح سیاسی قائل سوم - رفقای ما تمایز بد در سستی بدانند که این یکی از مثالهای ملموس و آن زمینه‌ساز عدی‌گسه است و اما علاوه بر کور و پوست خود لمس کرده است و اعتراضات خود را بر آن زمینه بروز میدهد گران‌تر و فقر و فلاکت بی‌خاستی و آوارگی است. باید برای رسنه، آن‌اید اساسی یعنی سپه‌دیده بودن و مهمل بودن نظم موجود را به میان توده‌ها برد. باید روشن کرد که علت نامی این مسائل، - سیاستهای ضد خلقی دولت است و راه حل آن نیز سرکوبی رژیم بدست کبری قدرت - توسط توده‌ها است. هیچگاه نباید اجازه داد تحت در سطح ما بد، باید سریعاً تحت راه عمق کما بد و عمل گران‌تر، کمبود و ... را روشن کرد.

ایضا تحت و کفنگودر صف‌های گوناگون حرد ما بحاج عمومی نظر گرفت. بان، شرح و ... و آواران بنا بر صبر صبری، رفقا، یا زنی و هواداران بنا بر صبر صبری، به همراه دانسته است. در این کوه تحت‌ها اکثریت قریب به اتفاق حاضر از مسائل مطروحه استقبال نموده و آرا را شنیده‌اند. با وجود این عکس‌العملهای صفا و بی‌توده

شده است. اکثریت مردم تا آنجا که بحث حول مسائل اقتصادی مشکلات روزمره است فعلاً نه شرکت کرده اند ولی بعد از ارتقاء بحث به مسائل سیاسی بدون اظهار مطلبی با حرکات سر و چشم‌ها حیاً تا "سخنی کوتاه آنرا تا شنیده کرده اند و با ترس اظهار داشته اند - مگر از جانتان سپرده‌اید؟" و یا "می‌گردانند عدا می‌کنند". اقلیت قلیلی نیز که وابستگی شان به نظریاتی به یکسلی از ارگانهای رژیم ثابت شده است و این مسئله در گزارشات عمومیت داشته - ضمن مخالفت کوشش نموده اند که نزار ع برپا کنند و رفقا را به کمیته بپسند که با مخالفت جمع در بسیاری اوقات فعالانه - مواجسه شده اند. تعدادی از مردم نیز - در صدیاتی از آنها - از رفقا علناً "حمایت کرده و خط ما را تعقیب کرده اند. بیگیری و تداوم این روشها میتوانند در رشد اعتراضات توده‌ای - و تقویت روحیه مقابله با سرکوب موثر افتد و بر جوحا کم بیش از پیش ضربه وارد آورد.

از سوی دیگر بر خورده‌ها با مسائل اقتصادی ارتقاء چشمگیری یافته است و از حد "نی زدن" و "شکوه و کبری" گذشته است و بیش از پیش عمق یافته مثلاً بخشی از توده‌ها گران‌تر را در رابطه با سطح دستمزدها و نرخ‌ها بنده تورم عنوان میکنند. کارگری میگفت "این گران‌تر هر روز بیشتر میشه و از طرف دیگر حقوق ما در یک سطحی باقی مانده و حتی قسمتی از آن کم شده است قیمت اجناس را کنترل کنید" و یا "معلوم نیست با این بالا رفتن قیمتها تکلیف مردم چی میشه تا دو سال پیش با ۲۰ تومان میشد ۴ کیلوگلابی خرید ولی الان با ۲۰ تومان با بیشتر از یک کیلو نمی توانی بخری ما حقوق ۲۰ سال پیش با الان هیچ فرقی نداره است" و زن زحمتکشی میگفت "خانم بی شیک خانه ما را ببینید ... شوهرم ۳ سال است بکاره فقط آدامس و کبریت می‌فروشه کد خودتون میدونید یا این وضع گران‌تر چه پولی درمی آید که بخورده خوراکیمون گرانه. بخش - آهای دیگر توده‌ها نیز بیان گران‌تر یا مسائل چون احتکار و حمایت دولت از محنکوبین و سرمایه‌داران و برخی نیز جنگ و عدم وجود امنیت را بطنه بر فرار میکنند. آشنگری میگفت "صبح تا شب چون می‌کنم سه تا می بدست می آید این با از اینها عرضیک رنج ما بعد از سه تا می آید این را از اینها در می آورند. و یک زن روستایی ضمن اشاره به کمبود و گران‌تر میگفت "... بعضی‌ها زیر عمامه شان قایم کرده اند. نمی بینی بعد از انقلاب کردن همه سون کلفت شده، از جنب ما ها جا بیده اند و خورده اند "خوا ربار فروش ۷۰ - ۸۰ بانه ای در صحبت راجع به زندگی اش گفته است "مطلب بهم خورده، آشوبه ... ممکن است فحله بشود، همه جا حنک است، معلوم نیست فردا چه شود -

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



يك ارزيايي کوتاه از ...

بقیه از صفحه ۱۰

وقتی من دکا نام را می بینم اصلاً نمی دانم فردا دکا نام سرچاپی است یا دزد برده ... اما بهر حال توده ها از سویی معتقدند رژیم تنها در صورت فاش آمدن برحرا ن قادر به ادامه حکومتش است و از سوی دیگر آنرا عاجز از این عمل میدانند گفته ای که کارگری در بحث عنوان میگرد سخن مشترک اکثر مردم است "اگر اینها میخواهند حکومت بکنند یا بدلوی گران و بیگاری بگیرند ... بنظر من که اینها نمیتوانند بدلوی گران و بیگاری را بگیرند".

مطلبی که در اینجا باید عنوان کرد، گرایش توده ها نسبت به رژیم شاه در مقایسه با وضعیت فعلی شان است. این گرایش که مسلماً "بعلت ضعف نیروهای انقلابی در ارائه آلت رنای تیوی در قبایل وضع موجود میباشد. در موارد متعددی در گزارشات ما به چشم میخورد. و با ردیگر و ظایف خطیر ما را - گوشزد میکند. وظایفی که هرگونه بی عملی، تردید و به هر زدن آلت رنای تیوی هرگونه کوتاهی در ارائه آلت رنای تیوی نتواند انقلابی در ذهن توده ها به معنای به فرا موشی سپردن آنست. در گزارشات ما این تمایل به ویژه در اقشاری چون کارگران کارگاه های پروری آشکارا در کارگری از کارگاهها میبکشد "صدر حمت به رژیم شاه، با اقلایون و آب داشتیم و دیگری میگفت "سیگار از آن بود، میوه هم زهر ما میگردیم دیگه چی مون کم بود که با شدم رفتیم مرگ بر شاه گفتیم "یک زن - زحمتکش خانه دار میگفت "هیچی پیدا نمیشه نه قندهست نه شکر، هر چیز هم که هست گران - است. فقط هرکس فامیل آخوند داشته باشه به نفعش است ... هرچی با شدم زان شاه خیلی بهتر بود" اقلای همه چیز پیدا میشد. هر وقت می خواستیم می گرفتیم. ولی حالا هیچ چیز نیست"

۲- رشد روحیه اعتراضی توده ها:

هما نگونه که بارها و بارها در این سه ماه - گفتیم و تکرار کردیم سرکوب و حشای نه رژیم هر چند نتوانست افضی موقت در مبارزات توده ها ایجاد نماید اما در شرایط بحران - حاکم قادر نیست مبارزات توده ای را به رکود بکشانند مگر به همراه تعدیل بحران - که در چشم انداز کثونی از قدرت این رژیم خارج است - و در همین رابطه نیز بارها چشم انداز خیزش سوسی توده ها را ترسیم کردیم. جمع بندی گزارشات موجود درستی این چشم انداز را تأیید میکند. روحیه اعتراضی توده ها که در مقطعی برای سرکوب همسای دد منشا نفروکش کرده بود اینک با گذشت زمان با ردیگر بر روز علیی با فاش است و در حال گسترش و بیویابی است. این اعتراضات در شکل نطفه ای و پراکنده است اما سکوت و خفای که پس از آن خود را درجا مع حاکم شد می رود که جای خود را به اعتراضات وسیع توده ها بدهد. وضعه پیش رو در این شرایط سازماندهی و تشکیل این اعتراضات، ایجاد پیوند بین اعتراضات پراکنده و

هدایت آنها در کمانا لهای مشخص بر ضرر رژیم، تبلیغ وسیع حول تشکلهای توده ای و پیش از همه اتخاذ تکتیکهای بی است که به موانع موجود بر سر راه بروز این اعتراضات ضربه وارد آورده امکان بروز پیش از پیش خشم توده ها را میسر سازد. نمونه های زیر - برگزیده ای از اعتراضات توده های در - حوزه های گوناگون اجتماعی می باشد.

رفیق را ننده تا کسی در گزارش خود می نویسد: اکثر کسانیکه سوار میشوند (کارمند) به جودا اخل تا کسی توجه دارند. اگر را ننده فالا نرنبا شد شروع به صحبت میکنند و وقتی کلاما توجه شدند که خطری آنها را تهدید نمی کند به رژیم و بیوا میگویند. در رابطه با جریان جیره بندی گوشت این روزها صحبت زیاد است خانمی میگفت "۵۰۰ گرم گوشت را اگر گریه بخورد سیر نمی شود" و در رابطه با زلزله عده ای میگویند "زلزله که خمینی با ایران پا گذاشت ایران بفرین شده است ... رفیق را ننده نیز برای این مساله تا کیدار دکه "در مورد انقلاب اکثرا میگویند "چه غلطی کردیم که انقلاب کردیم". درصفا نواشی زن زحمتکشی میگفت "خانم جون، خیلی چیزها میگفتند، میگفتند آب مفتی، برق مفتی، هرچی از زون و فراون همه خونه دار میشن، گو؟! همداش وعده و وعید بود. میدونید چرا؟ چونکه تو یی فراندوم شرکت کنیم و جمهوری اسلامی را انتخاب کنیم". زن زحمتکش دیگری میگفت "دیگه جقدر طاقت بیاریم. اینهمه فشار بر مردم وارد میشه. از اینطرف گران و بدبختی از آنطرف هم بچه های مردم را این کشتافتها میگیرند و میکشند ... دیگه جقدر حرفا اینها را باور کنیم. صبر و حوصله کنیم. "وادا مه داد" از اون بالا نشین بگیرتا اون پاشینی شون اینها فقط بفکر خود شون هستند ... پروها، کشتافتها از اسرائیل اسلحه میگیرند و بعد میگویند مرگ بر آمریکا. را ننده بیگان کا پوت سیزمی گفت: "بخدا قسم هیچ چیز توی خانه نداریم ... حاضریم همه نداریم قند کیلو ۲ تومان را ۴ تومان بخرم ولی نیست. خدا قل آتموقع قندو ... پیدا میشد آخه آقا نمیدونید این پدر سوخته ها هم زندانی اون رژیم را میکشند و هم زندانی این رژیم را. "وادا فیه کرد: "دیگه از جوم سیر شدیم. نه من هم! حاضریم همین الان منو بکشند. دیگه فکرم کار نمی کند ... آخه جطور ما درویدر بیان عزیزان خود شون را تحویل این جلادان بدهند". زن زحمتکشی درصفا شویوس مرتضی - نواب میگفت: "دیگه جون برای ما نمونده. همه را کشتند ... هر چی بدبختیه سرما با بدبختیه سرما طبقه سهای ها. شهیدان ما، کشته انما، صف روغن از ما، صف گوشت و تاید و سرف از ما، آجاره خونه از ما، جنوب جنگ میشه سر با از ما ... اون پدر سوخته ها، اون کله گنده های بی پدر که نمیرن جیه که کشته بشن. داغ فقط به دل ما میمونه "وادا مه داد: "خدا می داند که ما تان وظایفی روزگار می گذرانیم. خدا خودش سفره افطار ما بدبختها را می بیند و سفره افطار آن بولدراها و شروتمند - ها را هم می بیند. "خانم مسن خنده - بورزوا می متوسطی درا شویوس بعد از شنیدن اینکه رفیق ما را از دسیرستان اخراج -

کرده اند گفت: "آخرا این مملکت مگر احتیاج چه دکتر و مهندس ندارد؟ جوانهای مردم را بیگاری بیگاری رتوی خیابانها ول کرده اند. از آنطرف کسی نیست با این پدر سوخته ها بگوید: مگردین و مذهب هم زور و اجبار دارد. هرکس دلش نخواهد دنیا زمی خواند و هرکس نخواهد نسی خواند. "یک زن خرده بورزوا مذهبی میگفت: "مصدق الحق آدم خوبی بود. نمی بایست اسم او را از خیابان بر میداشتند" و بعد از اینکه توضیح دادیم در سخنرانی های او توهین میکنند اظهار داشت: "شما که ستان نمی رسد. آن سالها که شما نبودید. آن سالهای ۲۲، کسی بود که گفت را از جنگ انگلیس در آورد؟ - همین مصدق بود. حالانبا یدا و توهین بشود" و در تاکسی فردی اظهار کرده است:

ای آقا، مملکت روی بیجا نگشت بگنده، او با ش تا رلاتان، تیغ کش جا فوکش دور میزند نه دین حالیشون است و نه مذهب، یک مشت آدمها شی که تا دیروز شهرنورا ادا راه می کردند امروز در زان اس ماورند. "بعدا ز ترور آیت کها توبوسها را به بهشت زهرا فرستاده بودند. در میدان مشیریه عده ای که دستها انتظار را شویوس را کشیده بودند اعتراض می کردند. شخصی (خرده بورزوا) میگفت: آخه نباید اینجوری بکنند. باید به تعداد از اتوبوسها را هم بگذارند برای ما. مثلاً من از با زان را اینجا بیاده آمده ام. اینکسه نمیشه. "خانم ۴۸ ساله (خرده بورزوا) در تاکسی بعد از شنیدن خبر زلزله در کرمان می گفت: "هم زبا لاریکت می باید که زلزله و سیل است و هم از با شین که جنگ و خانه خرابی است. "در اتوبوس راه آهن - بیما رستان اما خمینی در ردیف عقب چند نفر (افسر - دانش آموز - کارمندو ...) مشغول بحث سیاسی بودند. موضع هم شان مخالف رژیم بود. در ردیف جلوی نیز یک نفر را دیوش را روشن کرده و به نطق خمینی گوش میداد. مرده ۴۰ ساله کارمند یا آشپز بوی گفت: "را دیو - تلویزیون را آجاره کرده اند. از صبح تا شب حرف میزنند. "بقیه با خنده تا شید کردند و چند نفری هم زیر لب غرغر کردند.

۳- توده ها و حاکمیت:

کناری بنی صدر میتوان گفت با وجودیکه تا حد زیادی توهم توده ها نسبت به رژیم فروریخته بود اما هنوز چشمه با لاداشتند و بسیاری از آن امید خود را به بنی صدر بسته بودند. بهر رو قبیل از برکناری بنی صدر محور بحثهای توده ها بر تضادهای درون رژیم ستوار بود. اما یکبار چرخش رژیم و قبضه کامل قدرت بدست حزب جمهوری - اسلامی و همچنین بیامدهای این مساله یعنی تکیه کامل رژیم بر سرنیزه - فرو - ریختن توهم توده ها را بسیار تسریع کرد. اعدا مها، خانه گردیها، تفتیشهای خیابانی کشتار و ترور و سرکوب و همچنین عجز رژیم از پاسخگویی به مسائل اقتصادی توده ها بر رشد آگاهی آنان تا سیرسزائی نهاد است. برخلاف سابق اینک خمینی بعنوان آخرین مهره رژیم به میدان آمده است. هاله

یک ارزیابی کوتاه از ...

بقیه از صفحه ۱۱

مقدس به کناری رفته و چهره سرکوبگرش از پس فتواها و دستورات عیان شده است . بهمین علت نیز توهم نسبت به او و سرعت زده می شود اینک به درستی میتوان گفت محور بحثهای توده ها نسبت به حاکمیت در مورد خمینی است . و ذهنیات آنان نسبت به او دچار تغییرات اساسی شده است . در این میان فتاوی خمینی بخصوص دستور - آتش در مورد جاسوسی نقش بسزائی بسازی کرده است .

پدربیک خانوادۀ مذهبی خرده بورژوا - میگفت : " در قرآن آیه است که همسا به بهه کار همسا به نسا به دخاله کند و نسا به در کار یکدیگر فضولی بکنند ، ولی خمینی میگوید این تکلیف شرعی است . زن خانه داری - میگفت : " خمینی اول گفت زنتان برای شما حرام است . حالاهم میخواستند مردم را به جان یکدیگر بیندازد . " (مردی خرده بورژوا) اظهار میداشت : " خمینی دارد عقلش را از دست میدهد . یکبار میگوید زنتان حرام است . یکبار میگوید همسا به تان را لیسو بدهید . آخر من چطور میتوانم همسا به ای را که سالها ن سال است می شناسم لو بدهم دوزن خانه دار زخمشکش در محله ما لیسو اشتراک من محبت با یکدیگر میگفتند : " معنی ندارد که من خانه شما را مواظب باشم بیبیم کی میاد دگی میره . مگه من فضولم " و دیگری در جواب میگفت : " آره ، به خدا من حتی روم همیشه وقتی یک نفر به خانه شما می آید - بیرون می بیرون بود تا چاره بدبا اینکه بخوام هم جا سوسی کنم . " (مرد خرده بورژوا) که طرفدار بنی صدر است میگفت : " شرعا نمیتوان او را (خمینی) ربانی دانست چرا که ربانی مردم را از شاد میکند . او با خرافات مردم را فریب میدهد . شرعا " حق ندارد برای مردم را نادیده بگیرد و حرف خودش را پیش ببرد و کسی را که از طرف مردم انتقاد کند . اگر او ربانی است چرا ب مردم نمیگوید که من هم مثل شما هستم . فرقی با شما ندارم . برای من

چملوات نفرستید . با دست و عبا و لباس مرا بمنوان تبرک نبوسید . . . اگر او واقعا - " ربانی و اسلامی است چرا مثل شاه عمل می کند . پس فرق او با شاه چیست ؟ چرا از بهشتی و نیا دهای خدا نقلایی مثل بسیج - کمیته بها دوسیا ، حما بت میگرد و میکند . " کا رگسز صنایع فلزی در یک قهوه خانه میگفت : " مگر خمینی نگفت که دولت با زرگان دولت - اما زمان است . با مگر خمینی بنی مدرا فرماتده کل قوا نکرده و بعد هم از او گرفت . من تا امروز که اینکا را نکرده بودوی را قبول داشتم ولی با این کارش دیگر قبول ندا رم (وی بنی مدری نیست) . پس فردا هم اگر جرای که ریخلاف او انجام داد ، بمنسوز خمینی کتا رمیرود . یعنی همه برای او بهره هستند . " زن زحمتگشی میگفت : " خمینی بارها گفته که من اشتبا کرده ام . آخه چند بار - اشتبا ه . بیشتر از شاه جنایت کرده . جوان های مردم را کشته است . " در یکی از زکرافانه - جات کا رگران سخنرانی خمینی را مسخره کرده و میگفتند : " بعد از ۳۳ سال مستضعف ، مستضعف گفتن ، هیچکاری برای ما نکرده است . فقط حرف مفت میزند که ما را گول بزند . " زنان کا رگور در رابطه با لایحه قضای با نفرت و انزجار میگویند : " خمینی این همه از حق زنان حرف زد ولی در عمل این چنین قانون می نویسد . " و خانم کا رمند ۲۷ ساله ا یکه لیسانس علوم اجتماعی و رئیس قسمت یکی از ادارات دولتی است در جمی از کا رمندان میگفت : " بغل خونه ما یکس خرابه است . نمی دانم گزارش کجا بشیرا - با بدیه خمینی بدهم . مودیکه ترو بچرودا لالت میکنند . " در میان کسانیکه هنوز توهماتشان نسبت بوی نریخته نیز نشانها می از عدم اعتماد بوی دیده میشود . زن خرده بورژوا متوسط سنتی در اتوبوس میگفت : " آدم اشتبا ه می کند . حتی آقا هم مکان اینک اشتبا ه بکنه وجود دارد . چنانکه دیدیم به بنی صدر با چند تا حرف و سخنرانی اعتماد دگرد . . . حالا - امیدمان به همین آقا سب . اگر آقا نبودما چکا رمیگردیم . از این حرفها گذشته هرکس با بدبا به بهشت وجهنم خودش را داد ششه با شدکها اشتبا ه بکنند . " در بخشی از کا رمندان گزارشات محافظه کارانه ای نسبت به رژیم

و شخص خمینی وجود دارد . کا رمند سنتی می گفت : " هنوز خیلی ها پشت خمینی هستند . من دوستانی دارم که اصلا " اینها را قبول ندا رند . اما رفتند رای دادند . از شون می پرسیم شما که هیچکدام اینها را قبول ندا رید چرا رای دادید ؟ میگویند چون ما ما م گفته تکلیفه . ما رای سفید دادیم . " و کا رمند ۲۷ ساله یکی از ادارات میگفت : " من از اولش هم هیچوقت با خمینی موافق نبوده ام . ولی اینکه مجا هدین اینطوری به خمینی می پرند هم در شرا یط قطعی که مردم همه طرف اینها هستند درست نیست . " اکثر گزارشات حاکی از اینست که توده ها عمرا بن حکومت را طولانی ندا نستند و - سرنگونی آن را نزدیک میبینند . این امر بویژه در نزد کا رگران مشهود است . و برای رژیم عمری بین چند ماه تا ۲ سال را منظور هستند و بطور کلی اعتماد خویش را نسبت بوی ز دست داده اند . همچنین در اغلب موارد رژیم جمهوری اسلامی را با رژیم شاه مقایسه کرده و در نسا به رژیم سابق را بهتر ارزیابی میکنند و تما یلاتی نسبت بان از خود نشان میدهند که بوزاین تمایلات بسیار خطرناک است . خانه خانه داری که مذهبی سنتی است بدنبا ل خانه گردیها در یکی از شهرستانها میگفت : " فکر نمی کنم اینها با بدبا باشند . " راننده کا رابه میگفت : " دیکه چیزی بمسمر این حکومت باقی نیست . هما نظور که شاه را فراری دادیم ، خمینی را نیز فراری می دهیم . " کا رگر بنزخا و را اظهار داشت : " اینها نا بودندنی هستند . با این کارها پیشان روی شاه را هم سفید کرده اند . اینها را باید تما ما کشت . . . الان دارند با مذهب وجنگ و اسلام حکومت میکنند . با ورکن اگر جنگ نبود اینها سرنگون شده بودند . " زن خرده بورژوا ۵ ساله ای میگفت : " صدر حمت بدوره شاه . شاه ا قلا " اینطوری نمی کشت . زندانی میکرد . اما این بی پدرها هرکس را شب میگیرند صبح می کشند . " کا رمند ۲۶ ساله اظهار داشت : " صدر حمت به شاه . ا قلا " میگرفت و میبنا دخت زندان . خدا قل بیک محاکمه ساختگی بودیا اینک مدتی شکنجه میکرد . اینها شب میگیرند و صبح عدا م می کنند . "

ادامه دارد

بازسازی و گسترش

بیشتر زمانه . . .

بقیه از صفحه ۶

میکنند که کا ملا" از محیط خود مسامیزو - انگشت نما میگردند . اولین و اصلی ترین رکن مخفی کاری جل شدن در محیط و استتار توسط عوامل محیطی است .

۳- با بدبا دقت هر چه تما . روز بعنوان یک وظیفه دائمی امرتصفیه را به پیشش برد ، تصفیه به معنی آنست که همواره - و حداقل در هنگام رفتن به محل های تشکیلاتی سرفرا رو . . . از این عمل تمثیب نمی شویم مطمئن گردیم . این عمل شیوه های گوناگون د اردولی عبور از کوجه های پریج و خم سوار

ملا" در محلاتی که تما مردان دوروز سرکارت رفقای بسردر خانه مانند نشان و بیا رفت و آمد مدا و نشان در آن ساعات قابل توجه نیست و . . .

بهر رویا بدتا کیده کرد رعایت مساسل امنیتی و اصول مخفی کاری در عین لزوم و ضرورت تنها با بذل کمی دقت و بکا رگیری ابتکا رمیسراست با بددز میان توده ها زبیت و در میان آنان نیز مخفی شد .

و پیا دیدن سریع تا کسی و روشهای دیگر از این قبیل میتواند در این مورد بکا ر - گرفته شوند .

۴- از هرگونه حمل و نقل بی مورد بپرهیزید ! هرگونه حمل و نقل با بدبا توجه و پوشش مناسب انجام گیرد .

۵- هرگاه اقراها دقیق و کا ملا" دقیق اجرا شود مکان معطل شدن سرفرا رو در نتیجه لورفتن به خدا قل میرسد .

۶- بسیاری از رفقا و هواداران به علت شکل ظاهری خود لومیروند ، در پوشیدن لباس و سرو وضع ظاهری خود دقت کافی نکنند .

۷- به نکات ظریفی که جلب توجه میکنند بسیار توجه کنید مثلا " به بسیجک منطقه گفته اند کسانیا را که مدا و به سا عشان نگاه میکنند تعقیب کنند . . .

۸- در محل زندگی رعایت عادی بودن - کا مل روابط و رفت و آمدها را بنما نشد

در تکثیر

و توزیع آثار

سازمان بکوشید



اعتلای

جنبش رها ئی بخش ...

بقیه از صفحه ۹

خونتهای نظامی (دولت نظامیان) اختیار امور را در دست گرفت. آمریکا از بر سر کار آمدن حکومت جدید استقبال کرد. چرا که به گمان امپریالیسم تنها کناره‌گذاشته شدن ژنرال رومروی دیک - تورکافی بود تا آتش خشم و اعتراض توده‌ها را خاموش کند، حتی اگر حکومت جدیدی که بر سر کار می‌آمد، به همان اندازه سرکوبگر و جنایتکار بود. خونتهای اول به دلیل وجود تمایلات اصلاح‌طلبانه در میان اعضای آن منحل و خونتهای دوم در فوریه ۱۹۸۰ تشکیل شد. خونتهای نظامی وظیفه داشت تا نخست نیروهای انقلابی را کاملاً سرکوب و منهدم نماید و از این راه مبارزه را در منطقه خفه سازد و آنگاه در "محیطی آرام" یک انتخابیات به‌ظاهرمکراتیک را در جهت استقرار یک حکومت غیرنظامی و حافظ منافع امپریالیسم برگزار نماید.

اما محاسبات آمریکا اشتباه از آب درآمد. در پی اتحاکم‌شده چریکهای انقلابی و تشکیل جبهه‌ها شیخش ملی فارابوندو مارتی، انقلابیون در ژانویه ۱۹۸۱، علیه خونتهای حاکم، اعلام "تعام عمومی" نمودند. ارتش ضد حمله را به قصد سرکوب سریع و کامل چریکها آغاز کرد. ولی با حمایت وسیع توده‌ها از انقلابیون، نبرد درازا کشید و رژیم‌گدان مجال یافتند تا در حین مبارزه به بیسجوسا زماندهی نیروهای تازه نفس برداخته و از این راه انسجام بیشتری کسب نمایند. از سوی دیگر "جبهه دمکراتیک - انقلابی" (F.D.R) که طیف وسیع اتحادیه‌های کارگری، دانشگاہها، انجمنهای صنفی،

PROFESSIONAL ASSOCIATIONS و گروههای وابسته به کلیساها را در بر می‌گیرد، نیز به حمایت از "تعام عمومی" و اعتصاب سراسری که در پی آن انجام شد، برخاست. یک ماه پس از آغاز اولین مرحله "تعام عمومی" که با پیشروی مداام انقلابیون همراه بود، آمریکا که دریا فته بود، دخالت وی برای سرکوب جنبش ضروری است. پیشاپیش در صدد توجیه چندین‌دخالتی برآمده سازمان جاسوسی سیا (C.I.A)، در فوریه ۱۹۸۱، یک سری مدارک جعلی مبنی بر ملاقات رهبران

"جبهه‌ها شیخش ملی فارابوندو مارتی با مقامات کشورهای کوبا، نیکاراگوئه و ... را تحت عنوان "سند سفید" انتشار داد. و در پی آن اعلام داشت که چریکها تنها مسی اسلحه خویش را از کشورهای خارجی دریافت میدارند و عملاً نشان نیاز زدا خل خاک - کوبا و نیکاراگوئه رهبری میشود. با چنین مقدمه چینی بود که سیل کمکهای نظامی امپریالیسم آمریکا بسوی لس‌آلوادور سرازیر شد. لس‌آلوادور پس از جنگ جهانی دوم کالاهای نظامی مورد نیاز خویش را - عمدتاً از آمریکا خریداری مینمود. طی



دوران ریاست جمهوری کارتر، امپریالیسم آمریکا فروش تسلیحات را به لس‌آلوادور به دلیل "نقض آشکار حقوق بشر" در این کشور، بظاهر تخریم نمود و به این ترتیب اسرائیل واسطه فروش تسلیحات ساخت آمریکا به این کشور شد. با روی کار آمدن خونتهای سال ۱۹۷۹، آمریکا کمکهای نظامی خویش را از سر گرفت و نخستین محموله آن که وسایل مربوط به سرکوب اغتشاشات شهری به ارزش ۲۰۰ هزار دلار بود تنها سه هفته پس از کودتای به‌آلس‌آلوادور ارسال شد. تا سال ۱۹۸۱، کمکهای نظامی آمریکا عمدتاً "بصورت اعزام گروههای کارشناس نظامی بود و طی این دو سال، بستوان مثال، دو هزار ارتشی دوره ویژه "سرکوب اغتشاش شهری" را زیر نظر مستشاران نظامی آمریکا کذرا نندند. در سال ۱۹۸۱، همرا با بحران شدن اوضاع لس‌آلوادور، این کمکها چندین برابر شد. به نحوی که آخرین کمک نظامی آمریکا به لس‌آلوادور در سال جاری (۱۱/۵) میلیون دلار) برانباری ۶۵۰ کیل کمک نظامی بوده است که آمریکا طی سالهای ۱۹۷۹ - ۱۹۵۰ به این کشور ارسال داشته. تنها طی چهار ماه اول "تعام عمومی"، آمریکا بالغ بر ۲۴۲/۲ تن محموله نظامی برای خونتهای فرستاده است.

همگام با ارتش باندهای سیا نیز در سرکوب انقلابیون شرکت می‌جویند. این باندها که منشاءشان همان اوباشان مسلحی است که سابقاً "زمینداران بزرگ برای - حفظ "نظم" در قلمرو خویش استفاده میکردند، اکنون از سوی سازمان جاسوسی آمریکا "سیا" تا مبنی مالی و تسلیحاتی میشوند. رهبران این باندها از میان افراد سرشناس محلی و مشاوران نشان از میان با زینتگان و کارمندان نیروهای امنیتی لس‌آلوادور انتخاب میشوند. تعداد این افراد مسلح، که با ارتش نیز به طور رسمی - عملیات مشترک انجام میدهند، از سوی دولت بیش از ۵ هزار نفر برآورد شده است. برسان این باندهای سیا که در لس‌آلوادور آنان را "جوخه‌های مرگ" مینامند، در ماه مه ۱۹۸۰ رسماً اعلام نمودند که هدفشان "تا بود - ساختن تمامی کمیونیتها در لس‌آلوادور" میباشد. وظیفه اصلی اینان را برور رهبران چپ، افراد مضمون به همکاران چریکها و سرایان فراری و نیز کشتار جمعی (به منظور ایجاد درع و وحشت) است. این افراد طی ماههای اخیر، بطور متوسط روزانه بیش از ۱۵ نفر و گاه تا ۵۰ نفر را به قتل رسانده‌اند.

در چنین جتور و سرکوبی است که خونتهای اعلام میکنند قصد دارند در این رابطه انتخابات مجلس موسسان را برگزار نمایند. خونتهای که در ماه مه (اردیبهشت) گذشته اعلام نموده بود طی چهار ماه انقلابیون را به کلی تا بودخواهد ساخت، حال قصد دارند تا از سوی از این فرصت بهره‌جسته و جنبش را کاملاً سرکوب نماید و به اینها ایجاد محیط آرام برای انجام انتخابات، توده‌ها را خلع سلاح نماید. از سوی دیگر عناصر صلیب سرخ موجود در بوزیسیون را به امید انتخابات به‌سازش بکشانند. روشن است که توده‌ها نیز در چنین شرایط اختناق فریب انتخابات را نخورده و سلاح بر زمین نمی‌نهند. کمیسیون سیاسی - دیپلماتیک مشترک "جبهه‌ها ئی بخش ملی فارابوندو مارتی" و "جبهه - دمکراتیک انقلابی" طی آخرین موضع گیری خود امکان هرگونه مذاکره مستقیم را بسا خونتهای آمریکا نفی کرده و اعلام داشت که تنها در صورت حضور یک میانجی بیطرف خارجی حاضر است تا در گفتگو جهت یافتن یک راه حل سیاسی برای بحران موجود - شرکت جوید.

ادامه دارد

تقلیدی ناشیانه از شگردهای

کثیف ...

حضور آنان در جنبش - که گفتیم هیچگاه از آن گریزی نیست - افزایش نیافته و با پیچرویی جنبش روبه انحطاط نرفته است بلکه این توده‌های شدن و وسعت یافتن مبارزه است که باعث میگردد همین نسبت بسا و کم‌خاتنین در جنبش تعداد قابل توجهی را تشکیل دهند. از سوی دیگر بررسی وضعیت تشکیلاتی این افراد - حتی به گفته خودشان، مثلاً

خاتنین به خلق همواره به یک گونه سخن میگویند چه آنها که در زیر مشت و لگد و شلاق بریده‌اند و به ورطه خیانتت به خلق در - غلغله‌اند و چه آنها که در کوران مبارزه طیفاتی خیانتت به خلق را پیشه کرده‌اند، چه آنان که از ترس جان در زیر چنگ جلا - نام‌گشته‌اند و چه آنان که در پی در یوزگی مقام از جلا - بهر و هر دو دسته خائند و مومی بینیم که هر دو دسته نیز به تبلیغ یک نظریه میپردازند. مادرشما ره‌آینده ره‌وس کلی ایمن نظریات را مورد بررسی قرار می‌دهیم تا برای دهمین و صدمین بار بطلان آنرا اثبات نمائیم.

ادامه دارد

مسئول دوهسته غیرتشکیلاتی "ایا" مسئول یک هفته‌ای نش‌آموزی! - نشان میدهد سازمانها و نیروهای انقلابی با وجود کاستی‌ها توانسته‌اند دژی مستحکم در مقابل نفوذ پلیس و عناصر مترزلزل و سست بنیاد ایجاد نمایند. از این وجه مساله که بگذریم شاهدیم که این "بریده‌ها" عموماً "یک محور نظری و یک عقیده سیاسی را تبلیغ میکنند و آنهم ترجمانیت از رژیم جمهوری اسلامی، ترجمند امپریالیست بودن و حامی زحمتکشان بودن رژیم بود و خلاصه نظریات اکثریتی‌ها و توده‌ایهاست. البته این مساله کاملاً قابل انتقاد و معقول است زیرا بهر صورت



اخبار شهرستانها

تجلیل از شهدای خلق

رامسر

روز یکشنبه ۱۵/۶/۶۰ ساعت ۴ نفر از شهدای مجاهد هوا دا چریکهای فدائی خلق اعلام شد و مراسمات محله را سرجمد یکی از شهدا را بنا علی صالحی (مهاهد) تشییع کردند که مردم با شرکت خود در این مراسم خشم و نفرت خود را نسبت به رژیم جمهوری اسلامی بنمایش گذاشتند. جمعیت شرکت کننده حدود ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر بود و پدر شهید طی سخنانی اهداف فرزندان و ما بر شهدای خلق را برای مردم تشریح کرد. سپس جمعیت در حالیکه شاعر می دادند به طرف با زا شهر حرکت در آمدند شاعرها عمدتاً "مرگ بر خمینی و مرگ بر آمریکا بود. خشم و انزجار مردم بقدری توفند شد بود که حتی با سدا رها قدرت ما نورنداشتند و فغانهای منطقه مجبور به پنهان شدن شدند. مردم با اتحا دخود با شرکت در این حرکت اعتراضی در تجربه دریا فتند که رژیم در مقابل اعتراضات یکبار چه مردم تا چه حذبونا نه و ادا ربه عقب نشینی خواهد شد.

آمل گزارشی از یک حرکت اعتراضی

حدود ۲۵-۳۰ ماهشین در پمپ بنزین محمدآبا دآمل منتظر دریا فت بنزین بودند اما مسئول پمپ بنزین اعلام کرد که بنزین ندا ریم فقط ۵۰۰۰ لیتر مانده که ذخیره - ارتش است و نمیتوانیم بدهیم مگر از سپاه کاغذیآ و رید. یک زن به طرف آمل راه افتاد و پس از یک ساعت کاغذی با مهر سپاه آورد و ۳ لیتر بنزین گرفت و رفت. بدنیا ل آن یک وانت با چند نفر دیگر از ما حیان اتومبیلها به سپاه رفتند اما سپاه گفت شما مربوط نمیشود و برگشتند در این موقع مردی ۴۰ ساله که زن و بچه اش همراهش بود او را در پمپ بنزین شد و چیزی به مسئول پمپ بنزین گفت و شروع به زدن بنزین کرد مردم پرسیدند چرا به او بنزین دادی گفت تلغن شده که با بد بنزین بگیرد مردم شديدا اعتراض کردند. مرد ۴۰ ساله که کلت به کمر بسته بود کاشی در آورد به سرباز مسئول حفاظت پمپ بنزین نشان داد که کارت کمیته بود و وی از مشهد عا زم تهران بود و پس از دریا فت بنزین بطرف تهران حرکت کرد در این موقع ما شینی که دوپا سدا ربا خانوادها پیشان سر نشینان آن بودند از صف خارج و به آمل رفت و کاغذی برای دریا فت بنزین آورد که در این موقع مردم ریختند و شلنگ بنزین را گرفتند. آنها گفتند ما ما موریت داریم و مردم که شديدا ناراحت و خشمگین شده بودند گفتند چنان ما موریت دارید تا خانواده هایتان را به گردش ببرید و یکی از میان جمعیت گفت اگر با آنها بنزین بدهید پمپ بنزین را آتش میزنیم. ما مور مسلح پمپ بنزین جلو

گلستان

کشاورزان زحمتکش این منطقه که پس از کار طاقت فرسای شبانه روزی و صرف هزینه بسیار را بیک محصول خود را دروسی کنند تا بلکه مخرجیک سال خانوادها را تامین کنند از جانب رژیم تحت فشار بسیار قرار گرفته اند که با بد برنج مرغوب را به قیمت ۱۸/۵ تومان و انواع دیگر را به قیمت ۱۲/۵ تومان بخرند و دولت بفروشد. هماینگ دردها ت چنان و وقتیده مانع فروش برنج روستا شیان بقیمت رایج ۲۲-۲۳ ریال میشوند.

یکی از کشاورزان میگفت: برنج رایج دولت نمی فروشیم مگر سینه ام را با سدا ران با گلوله سوراخ کنند، بعداً "برنج را از انبار بیرون بکشند. دیگری با دنیال کردن سخن اومیکوید: ما در برنج هر چه پول داشتیم خرج کردیم و تازه بدهکاری هم داریم، پس حالطور میتوانیم برنجمان را در بیست در اختیار کمیته بگذاریم. اگر با قیمت ایران برنج را بفروشیم زن و بچه مان گرسنه میمانند.

یکی از روستا شیان دهسال میگفت: زمانی دولت میتوانند بقیمت ایران برنج را بخرند که قیمت همه اجناس و کالاهای ایران باشد. وقتی که ما با این همه زحمت و چون کردن هر ماهی یک کیلو میوه نمیتوانیم بخریم و تازه اگر برنجمان را به قیمت - کیلوشی ۲۸ تومان هم بفروشیم نمیتوانیم بدهکاری های خودمان را بدهیم. چطور به این کار دولت تن بدهیم. با بدهمه مان با هم جلواینگ را بگیریم. یک دختر زحمت کش روستا شیان ۲۵ ساله در این مورد میگفت: دستها یم دراز خرم شده و ترک برداشته آنوقت برنج را کیلوشی ۱۵/۵ تومان بفروشیم تا زبای این پول چی میشه خرید قیمت همه چیز چندبرابر با لافتنه. اگر دولت راست میگه همه اجناس روان روزین گنه آنوقت ما هم

بقیه در صفحه ۱۶

آمد و گفت من بنزین به او میدهم تا ببینم کی جرئت اعتراض داره، همه جمع شدند حدود ۱۰۰ نفر بودند پیرمردی ۵۵ ساله سینه اش را با زکود و گفت من نمیگذارم. بنزین بدهی میخواهی بنزین به سینه من بزن و یا بهمه بنزین بده. ما مور مسلح دست دوسه نفر را گرفت و گفت برویم پا سگاه در این موقع تمام جمعیت گفتند پا سگاه با بد بنیاید اینجا، اگر قرار با شاد آنها را به پا سگاه ببرید ما همه میآئیم. ما مور مسلح دست آنها را اول کرد و خود به دا خل دفتر پمپ بنزین رفت مردم شروع به صحبت کردند یکی می گفت: دیشب مردی که ریشو آمده بود توی - تلویزیون و میگفت در شمال همه چی هست و اینکه میگویند بنزین نیست شما بده ضد انقلاب است. خوب مردی که حالابیا بیسن تا به ضد انقلاب است یا خود شما ضد انقلاب هستید. یک نفر دیگر که حدود ۵۰ سال سن داشت رو به پا سدا ر کرد و گفت شما فقط - بلدید چریک فدائی بکشید کار دیگری بلد نیستید. شما یا دادا رید جوانهای مردم راه گلوله بیندید و دیگری گفت شما پا سدا رها خیالت نمی کشید که این همه دم از مستحقین میزنید و اینجوری آدم میکشید و با لافره یکنفر از میان جمعیت گفت: اینها مثل ما و اکیها هستند. ما و اکیها می آمدند - کارت نشان میدادند و هر کاری که دلشان میخواست میکردند حالا اینها هم میخواهند با نشان دادن کارت بنزین بگیرند اما کور خوانده اید تا همه بنزین بگیرند ما از اینجا نصیر و پیموشما را هم نمیگذاریم بنزین بگیرد با لافره مقامت مردم و اتحا د آنها موجب گردید که به همه ما شینها ۱۵ الی ۲۰ بنزین دادند و پا سدا رها را هم فرستادند آخر صف که در نوبت خودشان بنزین بگیرند.

جنایات پاسداران سرمایه

روی جنایات صهیونیستهارا سفید کرد

در تاریکی شب یکشنبه ۱۵/۶/۶۰ در جواهرده را مر پر برزن و پیرمردی به همراه چند نفر از روستا شیان در قبرستان در روشنائی بیک فانوس در تلاشند تا جیکاهای برای دفن جسد غرقه بخون فرزند دلبنده شان مرتضی میرفانی (هوا دا چریکهای فدائی خلق) در دل زمین بکشند. هنگامیکه پس از تلاش بسیار زمین را شکافتند جسد خون آلود را از داخل تا بلون بیرون کشیدند و در مکان فوق جای دادند. پنجره های مشرف به گورستان باز بود و چشما متوجه صحنه دفن انقلابی گلگون کفن بودند اما اینکه مراسم دفن بها بان رسید. خشم و نفرت از دیدگان روستا شیان نمایان بود اما آنچه خشم مردم را دوچندان باغت اتفاق شد بود که روز یکشنبه در منطقه وی داد. ۴۰۰ پاسدار مسلح به

رامسر

قبرستان بیورش برده و پس از مدتی تیر - اندازی به طرف قبر، جسد بها ن شهید خلق را از خاک بیرون کشیده و با خود بردند و سپس در دره ای در جا ده گیلان - رامسر پرتاب کردند. خیر این جنایت سرعت در بین مردم پیچید. مردم با نفرت از این جنایت است هولناک صحبت میکردند و برای یکدیگر نقل مینمودند. تنها این اعمال را می توان با شیوه های فاشیستی هیتلر و صهیونیستها مقایسه کرد. اگر رژیم جمهوری اسلامی تصور میکند که با اینگونه اعمال جنایتکارانه رعب و وحشت برخواهد انگشت مردم را از مبارزه انقلابی با زخواهد داشت زهی خیال باطل. تنها این اعمال لزوماً اعمال قهار زجانب توده ها را ملموس - تر نخواهد نمود و آنگاه توده های مسلح اند که بساط این جنایات را برخواهند چید و رژیم جمهوری اسلامی را به همراه مزدورانش به گورستان تاریخ خواهند فرستاد.

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند



آیاریمهای ضد خلقی چون رژیم خمینی، سادات و پینوشه

بقیه از صفحه ۱

دادن یک وظیفه شعری است و ترساندن مردم از عواقب نداشتن مهربانان ستا مه و وادار کردن کارمندان، کارگران، نیروهای مسلح در ارتش، شهرهای و ژاندارمری به دادن رای و بالاتر از همه ریختن آرای قلابی، کوشش کرده هر چه بیشتر صندوقها را پر کنند و سپس اعلام کرده که رای نزدیک به سیزده میلیون رای آورده است از هی و قفاحت و بیشرمی.

و اما نمونه دیگری از انتخابات فرمایشی و قلابی که در هفته گذشته انجام شد. انتخابات ریاست جمهور در شیلی بود. با چالپ است که روزنامه جمهوری سلامی با چاپ عکس ژنرال پینوشه هنگام ماندن آختن رای بدون صندوق نوشته است: "میلیونها رای ساختگی و قلابی بنفع او (پینوشه) بنصندوقها رای گیری ریخته شد و او (پینوشه) برای تسلط دیگر فرصت داد تا همان خون برآه اندازد..." این سخنان از روزنامه ارگان حزبی است که بعنوان همه کاره حکومت ضد خلقی جمهوری سلامی هر روز فوج فوج جوانان - مبارزان انقلابی ایران را به جوخه های - اقدام سپرده و طرف کمتر از سه ماه نزدیک به یک هزار و دویست نفر را اعدام کرده است، جنایتی که رژیم جنایتکار روخا شن پینوشه طرف سال در جنین ابعادی مرتکب نشده است.

مردم آگاه و مبارزان ایران به سردمداران - خائن رژیم جمهوری سلامی میگویند شما که در مورد شیلی و ممرایینطور بلبل زبانی می کنید آیا از خود پیرسیده اید یا بیسن نمایش ها می که بنا م انتخابات راه - انداخته و رجائی و خا منهای و... را از صندوق بیرون می آورید مردم ایران و جهان در باره شما چه میگویند. آیا توانسته اید حتی یک آدم آگاه و روشن بین را - بفریبید؟! شک نیست که رژیمهای ضد خلقی چون رژیم سفاک خمینی، دیکتاتور - پینوشه و رژیم خائن سادات برای مشروعیت بخشیدن به حکومت های ضد مردمی خود - دست بچنین انتخابات مفتضح و نمایشی میزنند ولی آنها با دیدن نداشتن نمایشات نه میتوانند مردم جهان را فریبده و به حکومت آنها مشروعیت دهند و نه با اصلاح انتخابات میتوانند از سقوط حکومت های آنان بدست توده های میلیونی مردم جلوگیری کنند.

همخواهد کوشید تا با مجبور کردن مردم به دادن رای و با ریختن آرای قلابی در صندوقها به نهادهای فرمایشی و قلابی خود رنگ قانونی و مشروعیت بدهد، غافل از آنکه مردم ایران بوجها از این نوع انتخابات و این آمار و ارقام ساختگی زیاد دیده و شنیده اند و ۹۹ درصد آنها نمیتوانند آنها را - گول بزنند. اما جانب است رژیم که در جور کردن این آمارها دست همه اسلاف خود را از پشت بسته است وقتی میبینند عین چنین کارهای از طرف رژیمهای بی پایه و ضد خلقی دیگر نظیر مورو شیلی و... انجام - میگیرد، و آنها اعلام میکنند که ما از اعتماد بیش از ۹۰ درصد مردم برخورداریم این عمل آنها مورد اعتراض و استهزاء سردمداران رژیم جمهوری سلامی قرار میگیرد! انسان بی اختیار باید مثل معروف میافند که **دیگر بود دیگر میگردد** و در این باره روزنامه دولتی اطلاعات در شماره ۲۱ شهریور خود تحت عنوان: "همه پرسی نما یعنی در مورو چنین مینویسد: "آنها سادات بمنظور توجیه اقدامات سرکوبگرانه خود از مردم خواست طی یک همه پرسی پیرامون اقدامات وی نظر خود را اعلام دارند. این همه پرسی روز پنجشنبه گذشته انجام گرفت و برپا شده گزارش رسمی که از سوی دولت منتشر شد ۹۲ درصد از ۱۲/۲۸ میلیون رای دهنده واجد شرایط در آن شرکت کردند و ۹۹/۴۵ درصد از این عده به برنا مهر رئیس جمهوری برای سرکوشی مخالفان سیاسی و تندروان - مذهبی رای موافق دادند."

تسلیمات چینی جمهوری سلامی از - اینکه می بینند رژیم سادات که اینهمه مورد تنفر و انزجار مردم است روی دست آنها بلند شده و این چنین وقیحا نه ادعای به دست آوردن ۹۹/۴۲ درصد آراء "مردم" را میکنند مبادرت به **فشارگری** کرده و شگردهای را که رژیم سادات برای بالابردن آراء آنان متوسل شده است **فشار** کرده اند. روزنامه اطلاعات در دنباله مطلب بالا ادامه میدهد:

"به گزارش خبرگزاری ها در چند ساعت اول همه پرسی استقبال چندانی از اقدام - سادات ننهاد ما پس از آنکه سادات دولتی تعطیل شدند کارمندان مصری ناچار از - شرکت در فرآیند شدند.

حقا که با دیده رژیم جمهوری سلامی نازست داد که گوی سبقت را از رژیم سادات در سر هم بندی کردن انتخابات قلابی زده است. اگر رژیم خائن سادات با اجبار کارمندان به دادن رای، در بالا بردن آراء خویش اقدام کرده است اما رژیم خمینی از مدت ها قبل از انتخابات یادان فتوای چاپ و راست و اعلام اینکه رای -

بقیه از صفحه ۱۳ ارگان سازمانی و نقش آن مبارزات خود را حول...

۳- ایجاد پست سرخ، یا

پست سوسیالیستی

ایجاد "پست سرخ" به معنی رسانیدن نشریات و مطبوعات سازمانی (حزبی) بطور مرتب و سازمانیافته بدست افراد متعددی است که این نشریات را آژانسها یا مشترک - هستند. در این رابطه چند نکته را باید ذکر نمود. از سویی وظیفه تشکیل یک "اداره - پست" کمونیستی بر عهده سازمان است و مسلما "با دیدن شرایط کنونی در جهت ایجاد آن هر چه سریعتر کار مبردارد. از سوی دیگر دو شکل ذکر شده جهت توزیع نشریات خود و جوی از ایجاد یک "پست سرخ" را در بر می گیرد اما در اینجا ما تا کیدمان بر سازمان - یا فتکی و گستردگی جریان است. هر هسته یا بهتر از آن هر حوزه قادراست پست سوسیالیستی را سازمان دهد. با یدت مای افرادی که با یدن تشریه بدستان برسند شنا سائی کنیم مثلا "حوزه (آ) که مسئول - سازماندهی کارخانه است یا یدر هر - کارخانه کارگزارانی را که پلیس و جاسوس و طرفدار رژیم نیستند و احیاناً "سطح آگاهی لازم برخوردارند (این مساله ضروریست) شنا سایی نماید. این شنا سائی شامل مسیرهای رفت و آمد موقعیت آنها در کارخانه و آدرس خانه آنها خواهد بود. آنگاه باید بهترین و مناسبترین محل جهت رسانیدن تشریه به دست آنها را مشخص کرد - انداختن داخل خانه، قرار دادن در کمده کارخانه یا ... در این رابطه مثلا برای حوزه (آ) ۲۰۰ آدرس تهیه میشود آنگاه با ید جهت رسانیدن تشریه، و **فشار** اعلامیه و مهمتراز همه **فشار** ارگان سازمانی به این آدرسها برنا مسه ریخت و سازماندهی کرد و آژانسکلی مرتب و لاینقطع عملی ساخت. در این رابطه باید بدقت مسائل امنیتی را در نظر داشت با ید از تاراج تاریخی آموخت با ید با ید های که چگونه رفقای گه نیست ما در جبهه های جنگ جهانی اعلامیه های خود را پخش می کردند با ید با ید آورد که چگونه در زمان - قانون ضد سوسیالیستی در آلمان (۱۸۷۸ - ۱۸۹۰) کارگران آلمان در زیر شکنجه ترین فشار پلیس سیاسی **با تنظیم سازمان** - **ندهی** توانستند عبور روزنامه های غیر قانونی هفتگی را از مرزها و تحویل آنها را به خانه های تمام مشترکین تضمین کنند. آنجا که حتی وزیران سرسپرده دولست آلمان لب به تحسین آنان گشودند.

پس رفقا با ید کوشید به صورت وسه و شیوه ارگان سازمان را در بیشترین تعداد ممکن توزیع نمود. با ید در این رابطه وسه "سازماندهی" کرد و آژانس بکاربرد. با ید از تمامی نیروها و توانهای موجود سود برد. با ید تا حد امکان ارگان را مجدداً تکثیر کرد با ید مغلای از آنها را زتکثیر نمود و بدینصورت حداکثر تیراژ را ایجاد کرد.

میان وسیعترین اقشار و طبقات را پدید آورد.

تنها بدین طریق است که ارتباطی هر چه ارگانیک تر و بیوندی هر چه گسترده تر با توده های با بیم و تنهایی از طریق این شبکه ها ست که میتوانیم توده ها را بحرکت واداریم و هرگونه بسجج شکل سریع را سازمان دهیم.

ادامه دارد.

این یک وظیفه انقلابی است که در شرایط کنونی با ید به بهترین وجه به پیش برده - شود. با ید در رابطه با هرگونه ستی و افعال در این مورد نندید "انتفا دشمنی" با ید هرگونه کوتاهی در سازماندهی شبکه های - توزیع و در رساندن نشریات بدست هوانکس که مایل است آژانسها را بسد و بسا کمال بی رحمی "مورد حمله قرار داد. با ید تشکیلاتی بولادین جهت توزیع ارگان در

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران



به یاد معلم انقلابی

رفیق صمدبهرنگی

اختاری خونین بر فرق ارس

اختاری می تا بد خونین بر فرق ارس :
اخترسرخ صمد -
اختاری سرزده خون افشان از شوق ارس

و ارس را می بینی که کف آورده به لب
ما که از آب به سر میریزد
می رود مویه کنان تا به غزمی ریزد

موج موج ارس از خشم فرو کوید بر سیرک خویش
"موج موج غمخوار سوک" فرو کوید بنیز
مشت ها بر سر خویش

تا خرمی تا زده پیش ارس ، چرخ زنان
سیلی از خون ، با سبزینه خونین گیاهان
جان
از ارس تا به خور ، تا به سیه گل ، یعنی
از صمد تا پویان ، تا دگران

موج موج خوراما ، موجی از پی موج
فوج فوجی شود از ارتش خلقی ، فوجی از پی
شعله رزم ، پس آنگه ، گیرد هر دم اوج ، فوج

صدا افتاده جلو
شده پر جمدا ر جنبش تو
و به دنبالش ارتش ها بیرون ز شمار
رانده تا صحنه رزم و بیگار
ره سپر جانب فدائی نوتا به اید

اختاری می تا بد خونین بر فرق ارس :
اخترسرخ صمد

اعتصاب غذای دانشجویان انقلابی ایرانی مقیم سوئد

در اعتراض به کشتارهای اخیر

ارتباط مستقیم با دولت ایران بود - امکان افشای اسناد مربوط به قرارداد - های ایران و سوئد و سایر میراث لیستهای موجود در سفارت بوده است ، در روز جمعه - (سه شنبه) نظرات موضعی از طرف فدائو - یان ایران در اطراف اداره پلیس ، بمنظور اعتراض به دستگیری دانشجویان در بند صورت میگردد ، ولی از آنجا که سفیر ایران در مساعیه اش با تلویزیون سوئد خواستار تحویل دانشجویان در بند سوئد - دولت ایران میگردد ، و دولت سوئد اعلام میدارد که دانشجویان را محاکمه خواهد کرد - آرزو چهارشنبه ۴ شهریور (۲۶ اوت) - دانشجویان مبارز ایرانی دست به یک اعتصاب غذا می زنند و سپس در شهرهای - مالمو گوتهنبرگ - اوشتوا اعتصاب غذاهای متعددی برای آزادی دانشجویان زندانی - سازمان داده میشود ، اعتصاب کنندگان - استکهلم از روز شنبه ۷ شهریور (۲۹ اوت) وارد - اعتصاب غذای خشک میشوند ، و در همان روز نیز نظرات موضعی از مرکز شهر ، بسا پشتیبانی هواداران همه نیروهای انقلابی

در با مدا در روز دوشنبه ۲ شهریور برابر با ۲۴ اوت سفارت جمهوری اسلامی ایران در استکهلم (سوئد) توسط دهها تن از دانشجویان انقلابی (رفقا) هواداران سازمان ما و هواداران سازمان پیکار به اشغال انقلابی درآمد ، سفیر ، همسرش و یک کارمند سفارت به گروگان گرفته شدند ، این عمل بمنظور اعتراض به کشتارها و دستگیریهای رژیم ضدانقلابی حاکم صورت میگرفت ، در - بیانشیه ، دانشجویان ضمن افشای ماهیت ارتجاعی جمهوری اسلامی و علل برکناری بنی صدر بعنوان نماینده بورژوازی - لیبرال ضدانقلابی آمده است : "... این عمل انقلابی که باعث بطول آنجا میسر - هرا انجام می یورش فاشیستی پلیس سوئد - همراه با قوای ضربتی که مجهز به یک - مسلسل و گاز اشک آور بودند ، منجر به - دستگیری ۳۵ نفر از رفقا گردید ، خواست دانشجویان انقلابی درون سفارت برای - ابرگزاری مصاحبه مطبوعاتی با مخالفان - پلیس مواج شد ، که طبق گزارش خبرنگاران - علت مخالفت وزارت خارجه سوئد ، در

نامه یک رفیق از زندان

رفقا ! اندکی از وضعیت زندان
برایتان مینویسم ، اینجا تنها چیزی که
برایمان ملموس است ، اعدامهای دسته
جمعی است ما به این مسئله عادت کرده ایم
هر روز چند روز منده ، جان برکف را از زمین
ما به جوخه ، اعدام می سپارند ، شب هنگام
صداشان میزنند و صبح دیگر در میان ما
نیستند ، برایشان سرودی میخوانیم ،
سپس منتظر دسته برودی هستیم البته
رزمندگان راه رهاشی خلق کاملاً
روحیه قوی و خندان از باقی ماندگان
خدا حافظی میکنند و انگار جهت میمانند
میروند چه یاد گرفته ایم این جمله :
هورا : "ما از مرگ قوی تریم ، بگذار هر سال
چون برنجاران در میان کنند ، سال آینده
بربار برخواهیم روئید"
مرگ اینجا مفهومی ندارد همه مرگ
را به سفره گرفته اند حتی زندانیان -
عادی به این مسئله عادت کرده اند ،
البته قمدندان را به این زودی بمیرم
چه در آن صورت لازم میاید وصیت نامه را
برایتان بفرستم ، چرا "خواستم گوشه ای
از نشان بدهم ، آزادی و رهاشی خلقهای
تحت ستم خون میخواهد و با بدستری
بدست آوردنش خون داد آنهم خون بهترین
را ، خون انقلابیون را ،

گزارشی از شکنجه گاه زندان اوین

بقیه از صفحه ۲۰
شکنجه در زندان اوین به روش مرسوم و متداول بدل گشته است هر زندانی در بدو ورود با شلاق پذیرائی میشود شلاق به کف پا و اگر کف پا جاشی برای شلاق نداشت به پشت برهنه زندانی زده - میشود ، علاوه بر یکی دیگر از شکنجه ها بستن دستبند قیاسی و اویزان کردن میاز زمین از سقف است ، دیگر مشت و لگد و سوزاندن با سیگار جزو شکنجه های ابتدائی حیا شد شکنجه گران اوین روی حسینی جلاد را سفید کرده اند چنانچه اگر زندانی جزو اعدا میباید شد دیگر هیچگونه محدودیتی در شکنجه وجود ندارد و تا لحظه مرگ شکنجه میشود ، جلادان شکنجه گران آنجا که سرگرم رژیم را خیلی نزدیک میبینند در باره جوشی ها نه تنها زندانی را چشم بسته نگاه میدارند بلکه خودشان نیز با نقاب ظاهر میشوند تا شناخته نشوند ، البته بجز لاجوردی نسان در محبتها پیش از سقوط رژیم صحبت میکنند اما بلافاصله شکنجه گران رژیم سقوط کند یکی از شما را در زندان زنده نمی گذاریم اول شما را می کشیم بعد فراموشی کنیم ، وضع غذا بگونه ایست که هر گاه زندانیان تا میلان بکشند غذا به زندانی میدهند مثلاً هر روز که یکی از سران رژیم کشته میشود غذا به اسیران داده نمی شود انقلابیون از کوچکترین حقوقی برخوردار نیستند ، از اخباری اطلاعند و اکثری حتی اخبار را در دیورا بخش نمی کنند تا قبل از مرگ رجاشی و با هنرا اخبار صبر را بپوش میشود اما اینک قطع شده است و روزنامه های دولتی نیز با آنها نمیرسد ، ملاقات ندارند و کتاب موجود در بندها منحصر به آثار مطهری و بهشتی است ، وضع زندانیهای رژیم جمهوری اسلامی تنها با زندانیهای فاشیستهای - هیتلری و صهیونیستهای قابل مقایسه است ، جوخه های اعدام هوش در اوین برپاست و خون فرزندان انقلابی خلق از چنگال دژخیمان رژیم جمهوری اسلامی جاریست ، از سوی دیگر خانواده زندانیان که برای اطلاع از وضع فرزند میا رز خود هر روز در مقابل زندان جمع میشوند با فحشهای رکیکی از جانب مزدوران رژیم و پانداران سرما به مواج میشوند ، آنها با فحشهای از قبیل بیشتر فحشها ، بدر سگها ققدر هر روز - میا کشید اینجا ، اعدا ما خورده شد و با لخره با شلنگ آب و تیر هوائی سعی در متفرق کردن خانواده ها را دارند ، ما در تشریف میکردیم که بر ما جلو زندان گرفتند و تا پاسی از شب گذشته نگه داشتند حتی حق دستشویی رفتن نداشتند و اگر از جام تکان میخوردیم با قنداق تشنگ بر سر می گرفتند ، ما سوخت رژیم هم چون گان و لگد در میان خانواده ها بر سه میزنند و با شگل - مختلف از بیبر و جوان وزن و مرد مسی در کنترل خانواده ها دارند ، اخیراً اعلام کرده اند هر کس از هفته ای یکبار بیشتر بسا بد دستگیر میشود و گفته اند ما قیافه های شما را خوب میبناسیم و تشخیص میدهم چه کسی هر روز میاید ، اما شما می این اعمال رژیم و تلاشهای مذموحانه نمیکنید و چ - احتضار رژیم و نوید بخش سرنگونی حاکمیتی است که در لحظات آخر مرگ خود به جنون - دچار شده است ،

گزارشی از شکرالله پاک نژاد

موجد دستگیریهما آنقدر گسترش یافته است که دیگر زندانیان را در خدمت ما با ظرفیتی سه یا چهار ساله های تک نفری ۲-۳ نفر زندانی دارد. در کوه و خیابان بهر کس بنحوی مظلون - شوند دستگیر میشوند و برای اینکه گنجایش او بین افواش یا بد زندانیان و بسته به رژیم گذشته را به قزل حمار منتقل کرده اند قابل توضیح است که زندان قزل حمار و نحت کنترول شهر باقی است و ایندشته زندانیان که در زندان مت و با زکشت به مکتب را طی میکنند از راه نسبی برخوردارند و ملاقات آنها منظم انجام میگردد. بقیه در صفحه ۱۹

بازداشت شکرالله پاک نژاد را محکوم میکنیم

اطلاع یافتیم که شکرالله پاک نژاد ، شخصیت مبارز و انقلابی که سالها بخاطر مبارزه علیه رژیم شاه در زندانهای ساواک بسربرد توسط رژیم جمهوری اسلامی دستگیر و هم اکنون در زندان بسر میبرد. این اقدام رژیم جمهوری اسلامی نشان میدهد که دست اندرکاران رژیم ارتعاص کسانیکه سالها علیه رژیم شاه مبارزه کرده اند وحشت دارند و رسالت خود را با زداشت و یا اعدام زندانیانی قرار داده اند که در آستانه قیام بدست توانای توده های زحمتکش از زندانها و شکنجه گاههای ساواک آزاد شدند. شکرالله پاک نژاد نیز که سواستیک مبارزاتی او علیه رژیم شاه بر بسیاری از هموطنان ما شناخته شده است و در سال ۴۹ در آثر مبارزات مردم ایران و سازمانها و شخصیتهای جهانی از اعدام نجات یافت ، تا سال ۵۷ در زندانهای ساواک بسربرد و در این سال در آثر مبارزات قهرمانانه مردم ایران به همراه زندانیان دیگر رژیم شاه از زندان آزاد شد. شکرالله پاک نژاد در زمره شخصیتها شایسته است که نه تنها بیدادگاه های رژیم شاه و در دفاع عمده خود جنایات رژیم سلطنتی را افشا کرد و از منافع و آرزوهای خلق دفاع نمود بلکه در طول زندان نیز همچنان پیگیرانه بمبارزات خود علیه رژیم شاه ادامه داد و علیرغم فشارهای مزدوران ساواک هیچگاه حاضر نشد هما تنه سران گنونی رژیم جمهوری اسلامی با تاشد رژیم شاه سپردا زد. بازداشت دوباره شکرالله پاک نژاد توسط رژیم جمهوری اسلامی نشان دهنده دشمنی این رژیم با تمام انقلابیون است. ان است. خیر دستگیری پاک نژاد موج انزجار و نفرت نسبت رژیم را در میان بسیاری از نیروهای مترقی و انقلابی ایران و جهان برانگیخته است و بسیاری از سازمانهای جهانی خواستار آزادی فوری او شده اند.

پتک است خون من درد دست کارگر
داس است خون من درد دست بزرگ
گرامی باد خاطرۀ فدائی شهید
رفیق قاسم سید باقری

زحمتکش. فعلا نه شرکت نمود، او همزمان با قیام و عملی شدن سازمان نقش فعالی بویژه در مبارزات عملی سازمان برعهده گرفت و از همان نخستین شماره های - انتشار نشریه یا بخش خیر و گزارشات نشریه همکاری داشت. شور و علاقه رفیق سید باقری در راه آرمان کارگران و منافع زحمتکشان از او کمونیستی ساخته بود که شب و روز - خستگی ناپذیر با انرژی بی نظیر و وظائف سازمانی خود را به بهترین وجه انجام دهد، او در زمره رفقای بود که از همان آغاز علیه مشی اپورتونیستی کمیت مرکزی به مبارزه برخاست و فعلا نه علیه این خط مشی انحرافی مبارزه کرد. پس از انشعاب فعالیت خستگی ناپذیری را در جهت سازماندهی هواداران سازمان در استان - های شمالی ایران برعهده گرفت و همچون گذشته پر شور و خستگی ناپذیر به مبارزه خود ادامه داد. رفیق در ماههای اخیر بتهران بازگشت و مسئولیتها - تازه ای در تهران برعهده گرفت و حدود دو ماه پیش توسط یکی از مزدوران حزب اللهی نورفت دستگیر شد. رفیق قاسم همانند رفیق سیدسلطانپور، رفیق جهانگیر قلعه میا ندو آب، رفیق جزائری و دهها رفیق دیگر که بدست دژخیمان رژیم بشهادت رسیدند، تا آخرین لحظات حیات خود از منافع کارگران و زحمتکشان ایران قاع کرد. او راه افتخار آفرین فدائیان خلق را که همانا راه دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان ایران است ادامه داد. رفیق قاسم نیز همانند همه فدائیان دیگر بخیر و شادمانی خواهد بود. رفیق قاسم این کمونیست پر شور و بدست دژخیمان رژیم جمهوری اسلامی این حامیان نظام سرما به داری بشهادت رسید اما راه او را در راهها و مدها هزاران فدائی دیگر ادامه خواهند داد و خاطرۀ او برای همیشه در قلب کارگران و زحمتکشان ایران باقی خواهد ماند.

جاودان باد خاطرۀ رفیق قاسم سید باقری
تنگ و نفرت بر رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی
مرگ بر خمینی خونخوار
تا بود داد میریالیسم جهانی بسر کردگی
امیرالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش

با ردیگر دست جلادان خون آشام رژیم جمهوری اسلامی به خون یکی از فرزندان انقلابی خلق آلوده شد و فدائی خلق قاسم سید باقری عضو سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بدست دژخیمان رژیم بشهادت رسید. در روزهای اخیر جنایات سنگین رژیم ضد خلقی و ارتعاصی جمهوری اسلامی ابعاد تازه ای بخود گرفته است. دیگر اعدام روزانه چندتن از انقلابیون کفایت اشتباهی میری ناپذیر رژیم جنایتکار و خمینی خون آشام نمیکند. اعدامهای روزانه از مرزدهها گذشته است و به حدود صد نفر در روز رسیده است. دژخیمان رژیم جمهوری اسلامی در این خیال باطل بسر میبرند که با این موج بی دربی اعدامها و با این سفاکی ها و جنایات فحیح که روی همه جانان تاریخ راسفید کرده است، قادرند در دل نیروهای انقلابی هراس افکنند، و در رژیم استوار آنها در مبارزه بر جفتان در دفاع از منافع زحمتکشان، در دفاع از آزادی و دشنمی با امپریالیسم و ارتعاص خلقی ایجاد کنند، اما تجربه همین مدت کوتاه نشان داده است که نه تنها این با زداشتها، شکنجه ها و اعدامها قادر نیست لحظه ای در ایمان استوار انقلابیون به خلق و توده های زحمتکش خلقی پدید آورد بلکه آنها را در مبارزه خود محکومتر و استوارتر ساخته است.

رفیق فدائی قاسم سید باقری که هفته گذشته در کنار دهها فدائی و مجاهد بجوخه اعدام سپرده شد، رفیقی یکپارچه شور و احساس بود که سالها عمر خود را در - مبارزه در راه آرمان کارگران و زحمتکشان ایران، در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتعاص گذارند، او که قلبی سرشار از عشق به توده های زحمتکش میهن ما داشت، لحظه ای از مبارزه در راه آرمان مقدس کارگران غافل نبود. در سالهای خفقان و دیکتاتوری رژیم منفور شاه بمبارزه - برخاست و پس از مدتی توسط مزدوران ساواک دستگیر و پس از تحمل شکنجه های فراوان بزندانی محکوم شد. او چند سال از عمر خود را در زندانهای رژیم شاه گذراند و در زندان نیز همچنان مقاومت و پیگیری و با روحیه ای بسیار عالی بمبارزات خود علیه رژیم شاه ادامه داد. پس از آزادی از زندان دو شادوش خلق قهرمان ایران مبارزه را ادامه داد و در قیام توده های

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شکنجه و اختناق نابود باید گردد